



مرکز تحقیقات اسلامی

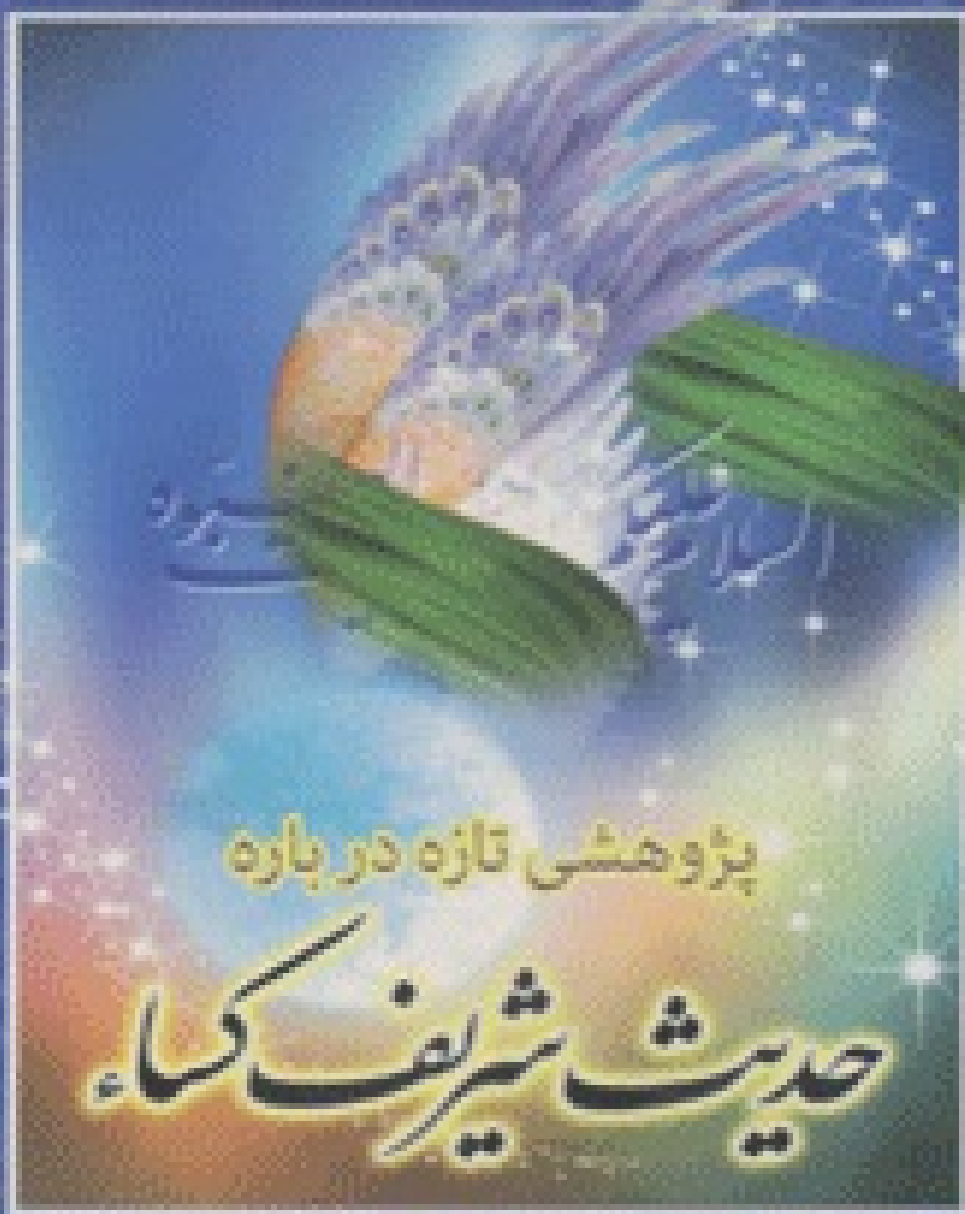
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



رضا قربانیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء

نویسنده:

رضا قربانیان

ناشر چاپی:

هستی نما

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	مقدمه
۱۵	سند حدیث کساء و دلایل وثاقت آن
۱۸	قاعده «تسامح در ادله سنن و اخبار من بلغ»
۱۸	نقل مفاد و محتوای حدیث کساء در سایر روایات
۱۹	مضامین عالی حدیث کساء و انطباق آن با آیات و روایات
۲۰	مفهوم «کساء» (وجه تسمیه)
۲۱	علت تکرار کلمه «کساء»
۲۲	محور اصلی حدیث کساء
۲۵	عناوین و نامهای حضرت زهرا علیها السلام در حدیث کساء
۲۵	اشاره
۲۵	فاطمه علیها السلام
۲۷	زهرا علیها السلام
۲۷	بنت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
۲۸	أم
۳۱	فضایل حضرت زهرا علیها السلام در حدیث کساء
۳۱	۱- ارتباط ویژه فاطمه علیها السلام با خدا (استجاب دعا)
۳۳	۲- آگاهی حضرت زهرا علیها السلام از کلام خدا قبل از جبرئیل
۳۵	درس های اخلاقی و تربیتی در حدیث کساء
۳۷	گفتگوی های تربیتی، حکیمانه و آموزنده حدیث کساء
۳۷	اشاره

۳۷	۱. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با فاطمه علیها السلام
۳۸	۲. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام
۳۹	۳. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسین علیه السلام
۴۰	۴. گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت فاطمه و حضرت علی الا
۴۰	۵. گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام
۴۰	۶. گفت و گوی خدا و جبرائیل و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم
۴۲	آثار و فوائد حدیث کساء
۴۲	اشاره
۴۲	۱. نزول رحمت خاص
۴۳	۲. عنایت ویژه فرشتگان
۴۴	۳. بر طرف شدن غصه و حزن
۴۶	۴. برآورده شدن حاجات
۴۶	۵. رستگاری دنیا و آخرت
۴۷	سی نکته مهم حدیث کساء
۷۱	ترجمه منظوم حدیث شریف کساء
۸۰	فهرست منابع
۸۲	حدیث کساء
۹۴	درباره مرکز

## پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء

### مشخصات کتاب

عنوان: حدیث کساء شرح

عنوان و نام پدیدآور: پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء / رضا قربانیان.

مشخصات نشر: تهران: هستی، نما 2014م = 1392.

مشخصات ظاهری: 84 ص.

شابک: 40000 ریال: 0-71-8214-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: متن حدیث به عربی آورده شده است .

یادداشت: کتابنامه: ص. 70؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: احادیث خاص (کساء) - نقد و تفسیر

شناسه افزوده: قربانیان، رضا 1345 \_ ، توشیحگر

رده بندی کنگره: 1392 ق 4 / 50422 ک / 145 BP

رده بندی دیویی: 297 / 218

شماره کتابشناسی ملی: 3396124

ص: 1

اشاره





پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء

رضا قربانیان

ص: 3

پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء

رضا قربانیان

ناشر: هستی نما، ویراستار: فریبرز راهدان مفرد، چاپ: نگارش، چاپ اول: بهار 1393

شمارگان 200، قیمت 4000 تومان 84ص.

شابک: 978 - 964 - 8214 - 71 - 0

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشر هستی نما

نشانی تهران ص - پ: 13145 - 753

تلفن: 09121521038

E-mail: [Hastinama@mail.com](mailto:Hastinama@mail.com)

ص: 4





دریای ژرف معارف دینی شیعیان، افزون بر قرآن، مبتنی بر احادیث و روایات فراوانی است که از جانب معصومین علیهم السلام و با واسطه علمای عظام شیعه نقل شده و در قالب ها و عناوین مختلف (دعا، مناجات، خطبه، نامه حدیث و روایت) به دست ما رسیده است. بعضی از این معارف و آموزه ها؛ مانند دعای کمیل، دعای ندبه، دعای ابوحمزه، دعای مکارم الاخلاق، دعای عهد، دعای سمات، دعای مشلول، دعای مُجیر، دعای جوشن، دعای توسل، دعای عرفه، دعای فرج، دعای صباح؛ همچنین مناجات مسجد کوفه، مناجات خمس عشر، مناجات شعبانیه و نیز زیارات جامعه، عاشورا، وارث و احادیث منزلت، سفینه، ثقلین، غدیر، سلسله الذهب و... دارای شهرت خاصی است.

این میراث گرانبها در کنار وحی الهی و کلام خدا، بخش مهمی از باورها و اعتقادات ما را شکل داده و هر يك با محوریت خاص خود قسمتی از نیازهای معرفتی ما را تأمین نموده است؛ مثلاً دعای کمیل یا دعای امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه، ارتباط انسان با خدا، دعای ابو حمزه و امثال آن، نحوه استغاثه در پیشگاه پروردگار متعال و

احساس و ابراز نیازمندی های بشر در برابر خدا و دعای توسل و ندبه و دعای عهد، ارتباط انسان با امامان معصوم علیهم السلام و امام زمان علیه السلام را با بهترین و زیباترین تعبیرها و کلمات دلنشین و شیرین، بیان فرموده است.

حدیث کساء نیز یکی از همین احادیث معروف و مشهور است که الگوی رفتاری و کلامی را به بشریت می آموزد و نیازهای اعتقادی، اخلاقی، فکری و عاطفی او را تأمین می نماید. در حقیقت، حدیث شریف کساء معجون مرگبی است از محتوای تمام احادیث و روایات که ابعاد بلندی مانند ارتباط با خدا، ارتباط با دیگران، به ویژه ارتباط با معصومین علیهم السلام، صفا و صمیمیت خانوادگی و از همه مهم تر موضوع امامت در اسلام را در بر دارد. این حدیث شریف با محوریت آیه تطهیر (مفهومی) و حضرت زهرا علیها السلام (مصدقی)، و در قالب انواع گفت و گوهای شگفت انگیز و حکیمانه، اسرار ناگشوده فراوانی را در خود نهفته دارد.

حدیث شریف کساء، حدیثی است متواتر، دارای اسناد فراوان و متن و محتوایی زیبا، آهنگین و استوار که با گفت و گو و سلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام و دعا و استعاذه آغاز و با تبیین و تحکیم مصادیق آیه تطهیر تداوم و سرانجام با معرفی یک یک اصحاب کساء و بشارت رستگاری به شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام پایان می یابد.

بنابراین، حدیث کساء هم یک حدیث است، هم یک دعا و هم یک خبر آسمانی مملو از ابعاد معرفتی، اعتقادی، رهبری، تربیتی، خانوادگی و اجتماعی که مسلمانان وظیفه دارند، نظیر حدیث غدیر آن را در

محافل و مجالس و مراکز عمومی اعلام و ابلاغ کنند (ما ذُكِرَ حَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ...).

بر هر مسلمان است که این خیر سرنوشت ساز را که نخست، حضرت زهرا علیها السلام پرده از آن برداشته قدر بشمارد و به سایر مسلمانان و حتی غیر مسلمانان برساند؛ البته در این صورت مشمول پنج نوع موهبت و هدیه الهی (1) نیز قرار خواهد گرفت. این هدایا مزد کسی است که هدف غائی و محور اصلی حدیث یعنی آیه تطهیر و مقام حضرت زهرا علیها السلام و اهل البیت علیهم السلام را درک نماید و ترویج کند.

### سند حدیث کساء و دلایل وثاقت آن

حدیث شریف کساء دارای اسناد و مدارک و منابع متعدّد است. از آن جمله: منتخب طریحی، الغرر و الدرر، عوالم العلوم، مناقب، مجمع البحرین، نهج المحجبة فی فضائل الائمة علیهم السلام، ارشاد القلوب، احقاق الحق، من فقه الزهراء علیها السلام، فاطمة الزهراء من المهد إلى اللحد، کبریت احمر، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفی، نور الافاق، وفاة الصديقة الزهراء علیها السلام، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء علیها السلام، الموسوعة الكبرى.

ناقلین این حدیث شریف نیز شخصیت های بزرگی بوده اند که در وثاقت قول آنان تردیدی وجود ندارد؛ مانند شهید ثانی، مقدّس اردبیلی، محقق کرکی، علامه حلّی، شیخ طوسی، شیخ مفید، ابن قولویه، علامه

ص: 9

---

1- پنج موهبتی که در آخر حدیث آمده است عبارتند از: نزول رحمت خاص، عنایت ویژه فرشتگان، برطرف شدن غصه و حزن، برآورده شدن حاجات و رستگاری دنیا و آخرت

بحرانی، سید محمد کاظم یزدی، شیخ کلینی، طریحی رحمة الله و... (1)

حدیث شریف کساء را مرحوم علّامه بحرانی، شاگرد مرحوم علّامه مجلسی، در کتاب عوالم العلوم به اسناد خود از جابر بن عبدالله انصاری از حضرت زهرا علیها السّلام چنین نقل نموده است:

«رأيت بخط الشيخ الجليل السيد هاشم، عن شيخه السيد ماجد البحراني، عن الحسن بن زين الدين الشهيد الثاني، عن شيخه المقدس الاردبيلي، عن شيخه علي بن عبد العلي الكركي، عن الشيخ علي بن هلال الجزائري، عن الشيخ احمد بن فهد الحلّي، عن الشيخ علي بن الخازن الحائري، عن الشيخ ضياء الدين علي ابن الشهيد الأول، عن ابيه، عن فخر المحققين، عن شيخه العلامة الحلّي، عن شيخه المحقق، عن شيخه ابن نما الحلّي، عن شيخه محمد بن ادريس الحلّي، عن ابي حمزة الطوسي صاحب ثاقب المناقب، عن الشيخ الجليل محمد بن علي بن هر آشوب، عن الطبرسي صاحب الاحتجاج، عن شيخه الجليل الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي، عن ابيه شيخ الطائفة، عن الشيخ المفيد، عن شيخه ابن قولويه القمي، عن شيخه الكليني، عن علي ابن ابراهيم، عن ابيه ابراهيم بن هاشم، عن احمد بن محمد ابن ابي نصر البرنطي، عن قاسم بن يحيى الجلاء الكوفي، عن ابي بصير، عن ابان بن

ص: 10

---

1- در بعضی کتب، مانند کتاب زندگانی حضرت زهرا: (محمد روحانی)، 28 سند از علمای شیعه و 22 سند از اهل سنت نقل شده است. در کتب دیگر مانند ارشاد القلوب دیلمی (ج 1، ص 9) با 112 سند، متن حدیث با مصادر آن ذکر گردیده است. (حدیث کساء در موارد مختلف و متعدد و اوقات گوناگون نقل شده که کامل ترین و بهترین آن، متن جابر ابن عبدالله انصاری؛ از حضرت زهرا علیها السّلام است.)



تغلب البكري، عن جابر بن يزيد الجعفي، عن جابر بن عبدالله الانصاري، قال: سمعت فاطمة عليها السلام أنّها قالت: دخل عليّ أبي رسول الله في بعض الأيام ...» (1)

رَوَتْ لَنَا فَاطِمَةُ خَيْرُ النِّسَاءِ \*\*\* حَدِيثَ أَهْلِ الْفَضْلِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ

تَقُولُ إِنَّ سَيِّدَ الْأَنْامِ \*\*\* قَدْ زَارَنِي يَوْمَ مَنَ الْأَيَّامِ (2)

ترجمه: «نقل نمود سید بزرگوار سید هاشم بحرانی، از استاد خود سید ماجد بحرانی، از حسن بن زین الدین شهید ثانی، از استادش مقدس اردبیلی، از استادش علی بن عبدالعلی کرکی، از استادش علی بن هلال جزائری، از شیخ احمد بن فهد حلّی، از شیخ علی بن خازن الحائری، از شیخ ضیاء الدین علی بن الشهید الاوّل، از پدرش، از فخر المحققین، از استادش علامه حلّی، از استادش محقق، از استادش ابن نما حلّی، از استادش محمد بن ادريس حلّی، از ابن حمزه طوسی (صاحب المناقب)، از استادش حسن بن محمد بن حسن طوسی، از شیخ بزرگوار محمد بن شهر آشوب، از شیخ طبرسی (صاحب احتجاج)، از پدرش شیخ الطائفه، از استادش شیخ مفید، از استادش ابن قولوبه قمی، از استادش شیخ کلینی، از علی بن ابراهیم، از پدرش ابراهیم بن هاشم، از احمد بن محمد بن ابی نصیر بزندی، از قاسم بن یحیی جلاء کوفی، از ابی نصیر، از ابان بن تغلب بکری، از جابر بن یزید جعفی، از جابر بن

ص: 11

1- عوالم العلوم و مستدرکاتها عبدالله البحرانی، ج 11/2، ص 930

2- احقاق الحق

عبدالله انصاری (1)، از فاطمه زهراء عليها السلام بنت رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم که فرمود: روزی پدرم رسول خدا بر من وارد شد...»

قصه شیرین اصحاب کسا \*\*\* می کنم آغاز با نام خدا

داستانی بس شگفت و بس عجیب \*\*\* داروی دل ها و جان ها را طیب

راوی این قصه، دخت مصطفی است \*\*\* همطراز و همسر شیر خداست

بنابراین افزون بر اسناد محکم و قوی، چند نکته نیز در وثاقت و اعتماد به این حدیث شریف و اسناد آن دارای اهمیت است:

### قاعده «تسامح در ادله سنن و اخبار من بلغ»

بر پایه این قاعده، حتی اگر متن حدیث کساء سند هم نداشته باشد، محتوا و جلالت محتوایی حدیث می تواند بر صحت صدور حدیث از معصوم دلالت نماید؛ دعا و مناجات و ذکر فضائل و مناقب اهل البيت عليهم السلام سند لازم ندارد زیرا يك مسئله فطری است.

### نقل مفاد و محتوای حدیث کساء در سایر روایات

نکته دیگر آنکه محتوای حدیث شریف، در تمام ابعاد، در دیگر احادیث و روایات نیز نقل و تأیید شده و در حدّ تواتر از معصومین عليهم السلام نقل گردیده است.

ص: 12

---

1- جابر (بر پایه نامش پیام «جبران کننده» را به همراه دارد) همان کسی است که راوی حدیث لوح فاطمه عليها السلام و اولین زائر قبر امام حسین علیه السلام و کسی است که مأمور بود سلام پیامبر صَلَّى الله عليه وآله وسلم را به امام باقر علیه السلام برساند

شخصی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلّم نقل می کند: «هر گروهی [از مسلمانان] گرد هم آیند و فضایل آل محمد صلی الله علیه وآله وسلّم را نقل کنند، فرشتگان از آسمان ها فرود آمده و به جمع آنها می پیوندند. وقتی آن گروه متفرّق می شوند و فرشتگان به آسمان ها بالا می روند، دیگر ملائکه از آن ها می پرسند: بوی خوشی از شما استشمام می کنیم که نظیر آن را تا کنون احساس نکرده ایم. آن ها در پاسخ می گویند: ما در مجلسی بودیم که اخبار آل محمد صلی الله علیه وآله وسلّم در آن نقل می شد. آن ملائکه می گویند: ما را هم به آن جا ببرید تا از باقیمانده عطر آن مجلس بهره ببریم.» هم چنین امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحَبَّهَا، فَاحْيُوا أَمْرَنَا، يَا فَضِيلُ، رَحِمَ اللَّهُ مِنْ أَحْيَا أَمْرَنَا.» (1)

### مضامین عالی حدیث کساء و انطباق آن با آیات و روایات

افزون بر تمام مطالب مذکور، سند قطعی حدیث همان تعبیرها و الفاظ پر محتوای خود حدیث کساء است؛ زیرا مضامین بلند این حدیث کاملاً با آیات قرآن و احادیث معتبر منطبق بوده (2) و نمی تواند از غیر معصوم صادر شده باشد. بنابراین حدیث کساء نه تنها ضعف محتوایی ندارد، بلکه مضامین عالی آن کاملاً دلالت دارد بر این که از معصوم صادر شده است. افزون بر آن، سند آن نیز در نهایت اعتبار بوده و مضامین و محتوای آن نیز عالی و سرشار از فضیلت ها و کمالات محمد و

ص: 13

---

1- احقاق الحق، ج 9، ص 500؛ ینایع المودة، ص 246؛ بحار الانوار، ج 44، ص 282

2- به نکته 19 در پایان همین نوشتار مراجعه شود

آل محمد صلی الله علیه وآله است که در روایات بی شمار و معتبری این مضامین و مفاهیم نقل شده و به دست ما رسیده است. بر این اساس، در سندیت، محتوا و مضامین حدیث و دلالت آن تردیدی باقی نمی ماند. با این اوصاف، جای تعجب و تأمل از کسانی است که در سند حدیث خدشه وارد می کنند و باعث سست شدن عقاید مردم می شوند؛ هر چند این نوع خدشه ها نتیجه معکوس دارد.

### مفهوم «کساء» (وجه تسمیه)

کلمه «کساء» (به کسر کاف) به معنی گلیم یا عبا و جامه پوشیدنی است (جمع آن نیز اکسیه است). کلمه کساء (به فتح کاف) نیز به معنی بزرگی و بلند مرتبه است. [\(1\)](#) البته «کسی» فعل ماضی نیز هست. از محتوای حدیث شریف و نسخه های متعدد و منابع حدیثی استفاده می شود که:

اولاً حدیث کساء به همین صورت یعنی با کسر کاف نقل شده و صحیح است.

ثانیاً آن پارچه ای که اصحاب کساء تحت آن پوشش یافته اند، پارچه یا عبای یمانی بوده است (پارچه ای بزرگ از یمین) نه کساء خیبری یا کوفی یا فدکی یا غیر آن؛ زیرا در متن حدیث شریف در منتخب طریحی به آن تصریح شده است: «إِيتِنِي بِالْكَسَاءِ الْيَمَانِيِّ فَغَطَّنِي بِهِ، فَأَتَيْتُهُ بِالْكَسَاءِ الْيَمَانِيِّ، فَغَطَّنِي بِهِ.» بنابراین، علت این نام گذاری همین بوده،

ص: 14

یعنی این حدیث به اعتبار کلمه کِسَاء و پوشش خاص به حدیث کِسَاء نامگذاری گردیده است.

### عَلَّت تَكَرَّارَ كَلِمَةِ «كِسَاء»

کلمه «کِسَاء» در حدیث شریف، 23 نوبت به صورت «تَحْتِ الْكِسَاءِ» و «نَحْوِ الْكِسَاءِ» آمده است که مفهوم پوشش (در بردارنده) را می‌رساند. از سیاق حدیث و مجموعه کلمات آن نیز تقریباً پوشش کریمانه و عاطفی و معنوی استفاده می‌شود. بنابراین، فضایل، کرامات، استجاب دعا و دیگر امتیازات مطرح شده در این حدیث مختص همان افرادی است که تحت این پوشش (تَحْتِ الْكِسَاءِ) قرار دارند. بدین وسیله و با این پوشش خاص حکیمانه، از نفوذ بیگانگان مکتب اهل البیت علیهم السلام جلوگیری به عمل آمده است؛ زیرا اهل البیت علیهم السلام الگوی جهان بشریتند و منحصر در همین افرادی است که تحت کِسَاء بوده‌اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم نیز وقتی همه آن بزرگواران تحت کِسَاء قرار گرفتند، فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي...».

در این حدیث شریف، يك يك اصحاب کِسَاء با نام و دیگر مشخصات معرفی شدند تا مردم دنیا بدانند اوصیاء و خلفای پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فقط همین افرادند. عَلَّت تَكَرَّارَ كَلِمَةِ «كِسَاء» نیز شاید به همین منظور باشد تا دیگران به این فضیلت طمع نوزند و مردم نیز به سراغ دیگران نروند و گمراه نشوند و بدین ترتیب راه نفوذ غیر معصومین مسدود گردد. تمام این اهداف با کلمه «تَحْتِ الْكِسَاءِ» به وضوح معلوم می‌شود. البته

بدون این تعبیر نیز این اهداف محقق است، ولی به کار گرفتن آن موجب تحکیم و تأکید بیشتر می گردد. به طور کلی، فلسفه موضوع «کساء» و «تحت الکساء» تأیید و تحکیم حصر آیه تطهیر است: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً). (1)

## محور اصلی حدیث کساء

محور اصلی حدیث شریف کساء موضوع آیه تطهیر و تأیید و تعیین مصادیق واقعی این آیه کریمه است؛ موضوعی که سرنوشت جهان بشریت تا قیامت به آن ارتباط دارد؛ یعنی رهبری جهان بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم.

همان هدفی که در ده ها آیه و حدیث، مانند آیه تبلیغ، ولایت و... و نیز روایاتی مانند حدیث منزلت، ثقلین غدیر و... منظور بوده، در قالب حدیث کساء بیان گردیده است. بر همین اساس، محور مفهومی حدیث کساء، آیه تطهیر و محور مصادیق آن نیز و محور مصادیق آن نیز وجود مقدس صدیقه طاهره، حضرت زهرا علیها السلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به منظور تحکیم امر ولایت و خلافت و تعیین تکلیف و وظیفه مردم مسلمان درباره ولایت اهل البیت علیهم السلام و موضوع

ص: 16

---

1- احزاب، آیه 33. (ضمناً تمام کلمات و حروف آیه تطهیر قابل تأمل و تعمق ویژه است، از آن جمله، کلمه «لیذهب» که «لیزیل» نیامده است. هم چنین ویژگی زمانی و مکانی نزول، بالا-خص نزول آن در حضور بهترین پاکان جهان و خمسه طویه و با تشریفات خاص نیز سزاوار پژوهش و تعمق است)

عصمت جانشینان خود، طرحهای مختلفی را مانند «طرح غدیر» طراحی فرمود تا مولا علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم معرفی گردد. حدیث شریف کساء با محوریت حضرت زهرا علیها السلام نیز یک طرح ابتکاری و جذاب در همین راستا بود تا به وسیله آن، موضوع آیه تطهیر و عصمت امامان معصوم علیهم السلام و جانشینان خاص پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در اذهان مردم جهان تعمیق گردد.

بعد از آنکه آیه تطهیر در منزل حضرت زهرا علیها السلام نازل گردید، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم هر روز صبح، به مدت شش تا هفت ماه، قبل از رفتن به مسجد برای نماز جماعت، پشت درب خانه حضرت زهرا علیها السلام می ایستاد و سه نوبت آیه تطهیر را می خواند و سپس به مسجد می رفت تا توجه مردم کاملاً جلب شود و نسبت به اوصیا و جانشینان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم کوتاهی نکنند؛ زیرا از منظر اسلام و رسول خدا، امامت از اصول است و اگر این اصل فراموش شود، نماز و روزه و سایر احکام نیز از بین خواهد رفت. (بالإمام تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ... (1)

حدیث شریف کساء رابطه ای وثیق با آیه تطهیر دارد و در واقع تفسیر حقیقی و مفهومی و مصداقی کامل این آیه شریفه است. از يك سو، قرار گرفتن آیه تطهیر در وسط حدیث کساء پشتوانه محکمی بر اعتبار حدیث است و از سوی دیگر نیز با این ابتکار و با قرار گرفتن افراد در زیر کساء، يك مصداق آیه تطهیر یعنی اهل البيت عليهم السلام معرفی

ص: 17

---

1- تحف العقول ( از کلمات امام رضا علیه السلام درباره جایگاه و نقش امام علیه السلام)

شده اند. البته در این میان محور اصلی، حضرت زهرا علیها السلام است. تمام جملات و محتوای حدیث، تکمیل و تحکیم همین مفهوم و مصداق است. جملات حدیث کساء نیز درست مانند کلمه حصر «إِنَّمَا» در آیه تطهیر همین حصر را تقویت و تحکیم نموده است: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَتِي لِحَمَّتِي لِحَمَّتِي وَدَمُهُمْ دَمِي يُولَمَنِي مَا يُولَمُهُمْ وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَسِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ فَاجْعَلْ صِدْقَ لِمَوَاتِكَ وَبِرَّكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَغُفْرَانِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ وَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَايِكَتِي يَا مَلَايِكَتِي وَ يَا مَلَايِكَتِي يَا مَلَايِكَتِي مَا خَلَقْتُ سَاءَ مَا مَبْنِيَّةً... هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا....»

ارتباط صمیمی و یگانگی اهل بیت علیهم السلام با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به اندازه ای قوی، مهم و عمیق است که گوشت و خون اهل بیت علیهم السلام به منزله گوشت و خون پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است. بنابراین هر کسی اهل بیت علیهم السلام را اذیت کند مانند آن است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را آزار داده و هر کسی از سر جنگ با اهل بیت علیهم السلام در آید مانند آن است که با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم سر جنگ و دشمنی و هر کسی با اهل بیت علیهم السلام از در صلح و دوستی در آید به منزله صلح و دوستی با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خواهد بود.

در اینجا تذکر دو نکته قابل تأمل است:

یکی آنکه اصحاب کساء با فاطمه علیها السلام تکمیل می شود (فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعاً تَحْتَ الْكِسَاءِ أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفَيِ الْكِسَاءِ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيَمْنَى



إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ...); زیرا فاطمه علیها السَّلَام آخرین کسی است که از خمسه طیبه داخل کساء می شود.

دیگر آنکه اگر حضرت زهرا علیها السَّلَام در حدیث شریف کساء به عنوان قلمداد می شود به این معنی نیست که فاطمه علیها السَّلَام افضل از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خود صاحب کساء و معرف اصحاب کساء بوده که مانند طرح غدیر و معرفی امیرالمؤمنین به عنوان جانشین خود، بدین وسیله اصحاب کساء از جمله فاطمه علیها السَّلَام را به عنوان محور به مردم دنیا معرفی فرمود تا مردم از این رهگذر به خدا نزدیک شوند. (1)

## عناوین و نامهای حضرت زهرا علیها السَّلَام در حدیث کساء

### اشاره

در حدیث کساء به چند نام و عنوان حضرت زهرا علیها السَّلَام (فاطمه، زهرا، بنت رسول الله و امّ) اشاره شده که هر يك دارای پیام و حکمت خاصی بوده و به نوعی با محوریت حضرت زهرا علیها السَّلَام و آیه تطهیر و مسئله ولایت معصومین علیهم السَّلَام در ارتباط است.

### فاطمه علیها السَّلَام

از همان آغاز، حدیث شریف کساء با نام «فاطمه» شروع می شود. نام مقدس «فاطمه»، زیبایی خاصی به این حدیث شریف بخشیده

ص: 19

است. (1) در آغاز حدیث، از بین نامهای فراوان دختر گرامی پیامبر، نام پر محتوای «فاطمه» مطرح شده است.

«فاطمه» از ریشه «فطم» به معنی «جداشدن» است؛ اشاره به این که شیعیان حقیقی از آتش جهنم و از هر شرّ و بدی جدا شده اند؛ زیرا پیوند معنوی با فاطمه علیها السلام کیمیایی است که هر انسانی را از جهنم دنیا و آخرت جدا نموده و نجات می دهد. مهم تر آنکه حضرت فاطمه علیها السلام دارای مقام بسیار عظیمی است که مردم دنیا از شناخت آن بانوی بزرگوار عاجز و ناتوانند. وجود مبارک ایشان به منزله «لیلة القدر» است که درک «لیلة القدر» برای هر کسی امکان پذیر نیست (و ما أدراك ما لیلة القدر) (2). بنابراین جامع ترین و مهمترین نامی که با فلسفه و پیام حدیث کساء مناسب است همین نام مقدّس است؛ نامی که بیانگر برتری فاطمه علیها السلام از نظر فضیلت، معنویت، علم، حسب و نسب و... از همه عالمیان است. ذکر این نام در آغاز حدیث کساء این پیام را در بر دارد که حدیث کساء راه نفوذ بیگانگان و دزدهای روزگار را مسدود نموده است. این که این نام مقدّس چهار نوبت در حدیث شریف آمده، تلویحاً حصر آیه تطهیر (إنّما) را تحکیم و تثبیت و تقویت نموده است. با این اوصاف، مفهوم «فاطمه» با محتوا و پیام حدیث شریف و حصر آیه تطهیر به طور کامل

ص: 20

- 
- 1- بعد از کلمه «کساء» که 23 نوبت و کلمه «سلام» که 20 نوبت در حدیث کساء آمده، بیشترین نامی که مجموعه حدیث را معطر و مزین نموده نام دختر پیامبر صلی الله علیه وآله به صورت نام و صفت و ضمیر است
  - 2- قدر، آیه 2

مطابقت و هماهنگی دارد که نکته های باریک تر از مو، این جا است. در آنجا که از آن حضرت به عنوان محور یاد می شود با همین نام (فاطمه) مطرح می گردد: «هُم فاطمة و أبوها و بعلها و بنوها.»

### زهرا علیها السلام

زهرا یعنی درخشنده، هنگامی که ملائکه الهی در ظلمت قرار گرفتند و نکه ابر سیاهی بالای سر آنها واقع شد، آنان از خداوند درخواست نمودند تا برای رفع ظلمت، به آنان عنایتی فرماید. نور زهرا علیها السلام تجلی نمود و ملائکه نجات یافتند و از آن لحظه مأمور شدند تا روز قیامت برای فاطمه و پدر و شوهر و فرزندان فاطمه تسبیح بگویند و ثواب آن تسبیح را به پیروان حضرت اهدا کنند. با این اوصاف، نام زهرا علیها السلام و تسبیح آن حضرت از آغاز خلقت در عرش پایه ریزی شد.

نام زهرا با این مفهوم خاص، جایگاه آن حضرت در عرش الهی و نورافشانی عالم آفرینش را تداعی می کند. پرده برداشتن حضرت زهرا علیها السلام از گفت و گوی خداوند با ملائکه و سگان سماوات و مطلع بودن حضرت از این راز و گفت و گو (فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَائِكَتِي يَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي...) نیز از همان آغاز حدیث کساء به مفهوم عمیق نام «زهرا» اشاره دارد (در اینجا نیز نکته ها وجود دارد).

### بنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

هر يك از کلمات (نام، لقب ...) و هر جمله ای از جملات حدیث

شریف کِسَاء و حتّی ترتیب و نظم آنها نیز دارای حکمت و اسراری است که باید به آن توجّه نمود. «بنت رسول (الله)» نیز از حکمت خاصی برخوردار است. نغمه «بنت محمد» تا معلوم و روشن باشد آن فاطمه و زهرایی که در حدیث کِسَاء نام برده شده، دختر رسول خدا است و جای هیچ گونه شك و تردیدی در این نسبت ایجاد نشود؛ چون ممکن بود گفته شود در آن عصر و زمان «فاطمه نام» که فرزند «محمد نام» باشد وجود داشته است. اما تعبیر «فاطمه بنت رسول الله» منحصر به يك نفر است و او همان کسی است که پاره تن پیامبر آخر الزّمان و کسی است که جابر حدیث کِسَاء را از او نقل نموده و محور موضوعی حدیث کِسَاء یعنی محور امامت و رسالت بلکه محور نظام هستی است؛ کسی که بقای هستی و نظام آفرینش به طفیل برکت وجود اوست.

در حدیثی قدسی خداوند خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ لَوْلَا فَاطِمَةٌ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»؛ اگر به خاطر تو نبود، افلاک را خلق نمی کردم و اگر به خاطر علی نبود، تو را خلق نمی کردم و اگر برای فاطمه نبود، شما دو نفر را خلق نمی کردم.» (1)

أمّ

کلمه «أمّ» نیز در بین القاب حضرت زهرا علیها السلام مانند سایر نام ها و القاب در حدیث کِسَاء پیامی مهمّ و محوری در بردارد. امام حسن و امام

ص: 22

حسین علیهما السلام خطاب به مادر می گویند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّةً». «أُمَّ» به معنی مادر است که هر کجا به کار رفته، محوریت خاصی را به خود اختصاص داده است؛ مانند «أُمُّ الْقُرَى» (مکه) که تمام فکرها و فطرت ها به سوی «أُمُّ الْقُرَى» روانه است و منزلت خاصی دارد. همچنین «أُمُّ الرَّأْسِ» (مغز) که تمام نیروهای بدنی و فکری به سمت مغز روانه است. یا «أُمُّ الْكِتَابِ» که یکی از اسامی سوره حمد است و تمام قرآن در آن خلاصه شده و حاوی تمام قرآن است. بنابراین «أُمَّ» یعنی مجمع و مرکزی که باید همه نیروها به آن مرکز توجه داشته باشند. تمام مادران معمولی دنیا بیشترین سهم و مهمترین نقش را در به ثمر رساندن تولد فرزند در مرحله جنینی و رحم دارند که در قرآن مجید نیز به آن اشاره شده است. در مراحل تکون جنین در رحم، نود درصد پای مادر در کار است و ده درصد پدر؛ زیرا پدر به منزله بذرافشانی است که بذر خود را در سرزمین مستعد مادر می ریزد، ولی رحم مادر و سرزمین مادر است که باید نه ماه از این بذر و سرزمین به طور ویژه مراقبت نماید.

حضرت زهرا علیها السلام نه تنها فرزندان را در رحم و دامن پاک خود پرورش داده (أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ) و از این جهت مقام مادری دارد، بلکه مقام مادری و محوری همه امامان شیعه و از آن مهم تر مقام مادری پدر خویش را نیز داراست (أُمُّ الْأَيَّمَةِ و أُمُّ أَيْبِهَا). حضرت زهرا علیها السلام بر اساس حکمت الهی نه پیامبر صلی الله علیه وآله بود و نه امام، اما دارای مقام اُمّیت و محوریت رسالت و امامت بود.

پیامبر صلی الله علیه وآله در سن کودکی پدر و مادرش را از دست داد. هم چنین همسر وفادارش خدیجه علیها السلام نیز از دنیا رفت. تا زمانی که حضرت خدیجه در دنیا بود به عنوان «أمّ المؤمنین» نام برده می شد، اما پس از رحلت جانسوز آن بانوی وفادار و شجاع، این مدال افتخار تنها به وجود مقدّس دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اطلاق می شد. به عبارتی، آن راز بقای هستی و محور جهان آفرینش، یعنی فاطمه علیها السلام، که هم «أمّ ابیها» بود و هم «أمّ الائمه»، «أمّ المؤمنین» نیز بود؛ یعنی مجمع و مرکز همه نیروها. همان گونه که مغز انسان در وسط جمجمه قرار دارد تا از هر نوع آسیبی محفوظ بماند و محل توجّه تمام نیروهای مملکت بدن است، بر همین اساس در حدیث شریف کساء همه اصحاب کساء ذیل نام فاطمه علیها السلام (با ذکر تنها همین عنوان و نه نامی دیگر) و با محوریت آن حضرت معرفی می شوند «هُمُ فَاطِمَةٌ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا».

وقتی گفته می شود حضرت زهرا علیها السلام محور است، گویی گفته می شود که همه مردم دنیا بدانند تنها، کسانی که به این ریشه و محور متصل باشند قابلیت امامت دارند. با این اوصاف، در حدیث کساء در حقیقت امامان شیعه تا امام زمان علیهم السلام تلویحاً معرفی شده اند تا از گمراه شدن مردم در تعیین مصادیق امامت و رهبری امت جلوگیری به عمل آید. اصلاً یکی از اهداف حدیث کساء همین انحصار امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و اصحاب کساء است.

ائمه ما همه افتخارات خود را از فاطمه عليها السلام می دانند: «الْمَهْدِي مِنْ عَتْرَتِي وَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.» حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (1)؛ «الگوی زندگی من فاطمه است.» این تعبیر نیز تأکیدی است بر همین موضوع که ریشه و محور امامت در وجود مقدس حضرت فاطمه عليها السلام خلاصه می شود.

## فضایل حضرت زهرا عليها السلام در حدیث کساء

### 1\_ ارتباط ویژه فاطمه عليها السلام با خدا (استجاب دعا)

حدیث شریف کساء از يك منظر مجموعه ای از دعاهاى مختلف در ابعاد گوناگون است که در آغاز آن نیز از يك دعای مستجاب و حادثه خبر داده شده است. حضرت زهرا عليها السلام در پیشگاه پروردگار متعال برای پدر دعا نمود و پدر بزرگوار خود را در پناه خدا قرار داد. (2) دعای فاطمه عليها السلام مستجاب شد و رخسار آن بزرگوار همانند قرص ماه درخشید و بدین وسیله آثار ضعف بدنی برطرف و تبدیل به قوت گردید و مانند گل شکفته شد:

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ،

ص: 25

---

1- اطيّب البيان، ج 13، ص 225

2- پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در همان آغاز حدیث کساء عملاً به مردم دنیا آموخت که در گرفتاری ها و بیماری ها به فاطمه عليها السلام متوسل شوید تا به وسیله او در پناه خدا قرار گیرید؛ زیرا خدا فاطمه را پناهگاه قرار داده است (أُعِيدُكَ بِاللَّهِ)

فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلَامُ، قَالَ: إِنِّي أَحْبَدُ فِي بَدَنِي ضِدَّ عَفَاءٍ، فَقُلْتُ لَهُ: أَعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبْتَاهُ مِنَ الضَّعْفِ، فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ، إِيْتِنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي فَغَطِّينِي بِهِ، فَأَتَيْتُهُ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي فَغَطَّيْتُهُ بِهِ، وَصِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَاوُ كَأَنَّهُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ...»

بنابراین در نخستین فراز حدیث شریف کساء به دو موضوع مهم اعتقادی اشاره شده است:

1. دعا (دعای دختر در حق پدر، یعنی دعای حضرت زهرا علیها السلام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم).

2. استعاذه (پناهندگی)

در بخش دوم یعنی استعاذه، به یکی از مسائل مهم اعتقادی و توحیدی اشاره شده است؛ پناهندگی انسان به خدای غنی بالذات.

در استعاذه، ضعیف به قوی پناه می برد و پس از علم و آگاهی به وجود دشمن و بیچارگی و ضعف و فقر خود، و از سوی دیگر علم به قدرت الهی و آگاهی از این که خداوند او را پناه می دهد (پس از این چهار علم)، حالت پناهندگی برای انسان ایجاد می شود. این حالت (پناهندگی) یکی از صفات حمیده و از بهترین اعمال عباد صالحین و ابرار و مخلصین است. انسان با پناه جستن به حضرت حق، راه خود را تسهیل نموده و به اقتضای توحید افعالی همه چیز را به خداوند قادر می سپارد. استعاذه گاه در مقام قلب است و گاه در مقام عقل و گاه در مقام لفظ (اگرچه تمام حقیقت آن قلبی است). بسان سایر اعمال عبادی،

ص: 26



ظهور این حقیقت در قلب است؛ یعنی از آستانهٔ زبان به تمام اعضا و جوارح و بالاخره به قلب می‌رسد.

حضرت زهرا علیها السلام هنگامی که ضعف بدنی پدر مهربان را مشاهده می‌کند، با تمام وجود به خداوند متعال پناهنده می‌گردد (أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضَّعْفِ) و سرانجام با تضرع در پیشگاه خداوند، دعایش مستجاب می‌گردد. شاید این ضعف (1) به خاطر نور عظمت نزول وحی و آیهٔ تطهیر بوده است؛ چنان که وقتی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بعد از نزول اولین آیات الهی از کوه حرا به منزل آمد، حالاتی مشابه بر وجود نازنینش عارض شد که آیات نازل شده پس از آن واقعه (يا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ ... يا أَيُّهَا الْمَدْتِرُّ) نیز بیانگر همین وضعیت بوده است.

## 2\_ آگاهی حضرت زهرا علیها السلام از کلام خدا قبل از جبرئیل

قدرت علمی و آگاهی و احاطهٔ حضرت زهرا علیها السلام قبل از آمدن جبرئیل نکته‌ای بسیار مهم و حیرت‌انگیز است. حضرت زهرا علیها السلام در این حدیث شریف، قبل از جبرئیل، از خداوند و گفت و گوی میان خدا و فرشتگان و ساکنان آسمانها یاد کرده است.

متن حدیث این گونه است که جابر ابن عبدالله انصاری کلمات این حدیث را به طور کامل از حضرت زهرا علیها السلام شنیده که در بخشی از این حدیث گفت و گوی خداوند و جبرئیل بازگویی شده است؛ این بدان

ص: 27

---

1- به نظر بعضی ضَعْف (با ضمّ) به معنی ناتوانی جسم و بدن است و ضَعْف (با فتح) به معنی ناتوانی عقل و رأی است (ر.ک: قاموس، ج 4، ص 183)

معناست که حضرت فاطمه علیها السلام قبل از هبوط جبرئیل و آمدن به زمین و خبر دادن به رسول خدا، از این مسئله با خبر بوده است: «فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سَكَّانَ سَمَاوَاتِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً... فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي... فَقَالَ اللَّهُ: نَعَمْ...» (1).

بنابراین معلوم می شود حضرت زهرا علیها السلام هم فرشته وحی را دیده و هم از گفت و گوی خداوند مطلع بوده است؛ نظیر آنچه در مصحف فاطمه علیها السلام نقل شده که آن حضرت از «علم ما کان و ما یکون» خبر داشته است. (2) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «در مصحف فاطمه مطالبی هست مثل آنچه در قرآن آمده؛ در صورتی که يك کلمه از آن در قرآن نیست و نیز صدای فرشتگان را شنیده و از آنها بهترین بوی خوشی را استشمام نموده است.»

البته این که چگونه حضرت زهرا علیها السلام قبل از خبر آوردن جبرئیل از این مطلب خبر داشته و از گفت و گوی خدا مطلع بوده یا این که چه موضوع مهمی بوده که جبرئیل تقاضای حضور در زیر کساء را داشته یا هبوط جبرئیل چگونه و با چه سرعتی بوده یا کساء کجا بوده و امثال این مطالب، اسرار بسیار مهمی است که حقیقت آن هنوز کشف نشده است.

نکته دیگر آن که حضرت زهرا علیها السلام، بدون واسطه از خداوند و

ص: 28

---

1- کلمه «فقال» پنج بار تکرار شده است

2- به نکته 25 مراجعه شود

گفت و گوی میان خدا و فرشتگان و سگّان آسمان ها یاد کرده است:

«فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي ... فَقَالَ اللَّهُ: نَعَمْ.» گویی جبرئیل را مشاهده کرده و گفت وگوی میان او و پیامبر صلی الله علیه و سلم را شنیده است: «فَهَبْتُ الْأَمِينَ جِبْرَائِيلَ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ.»

### درس های اخلاقی و تربیتی در حدیث کساء

یکی از درس ها و روش های بسیار مهم و تأثیرگذار عاطفی، اخلاقی و تربیتی مکتب شیعه، زیبایی در کلام و کلام زیبا و دلنشین و ایجاد فضای گفتگوی شیرین و جذاب به ویژه با سلام کردن و اظهار لطف و صمیمیت به مخاطب است. در مکتب اسلام توصیه شده هنگامی که دو نفر با یکدیگر ملاقات می کنند و می خواهند ارتباط کلامی برقرار کنند قبل از هر چیز به وسیله سلام (1) و جواب سلام به یکدیگر اظهار ادب و احترام نمایند؛ زیرا از آداب دینی آن است که ابتدا کسی که وارد می شود، سلام کند (اللوارد السلام)، و شخص مقابل نیز واجب است جواب سلام او را بدهد. همچنین توصیه شده در مقام جواب و پاسخ سلام، شخص جواب دهنده اظهار محبت خود را مضاعف نماید و کلامی دیگر، علاوه بر آنچه سلام کننده اظهار داشته، بر آن بیفزاید.

این درس تربیتی و آموزنده را قرآن مجید و حدیث شریف کساء به

ص: 29

---

1- «سلام» اسم مصدر و نام خداست؛ یعنی خدا از هر نوع شرك و عیبی سالم است

ما آموخته است: (وَإِذَا حَيْثُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا...) (1)، «و هنگامی که کسی به شما تحیت گوید پاسخ او را به طور بهتر بدهید.» و نیز (إِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ) (2)؛ «هنگامی که به خانه ای وارد می شوید به خویش سلام کنید.»

(یعنی چون به خانه یا مسجدی در آئید بر مسلمانان یا اگر کسی نباشد بر خود سلام کنید)

این توصیه قرآن و تحیت و اکرام (بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ) درباره حدیث کساء از جانب اصحاب کساء کاملاً مشهود است و از آغاز تا پایان حدیث شریف با بیست نوبت تکرار کلمه سلام، ابتدا از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم که الگو و اسوه حسنه جهان بشریت است (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ) و سرانجام با سلام خدا پایان می پذیرد اَلْعَلِيِّ الْأَعْلَى يُقْرِنُكَ السَّلَامَ.

شخصی به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم عرض کرد: السَّلَامُ عَلَيْكَ، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ، دیگری عرض نمود: السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ، فرمود: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ». (3) بنابراین اولین درس اخلاقی و تربیتی که حدیث کساء به ما آموخته، عمل و سیره عملی اصحاب کساء بوده که مملو از کلمات عاطفی و صمیمی و گفت و گوهای شیرین با الفاظی زیبا و دلنشین است. بدین وسیله به ما آموخته اند که در مراوده های اجتماعی و برخورد و

ص: 30

1- نساء، آیه 86

2- نور، آیه 61

3- تفسیر نمونه، ج 4، ص 46 به نقل از تفسیر در المنثور، ج 2، ص 8

ارتباط با یکدیگر، به ویژه روابط خانوادگی و گفتگو با یکدیگر ادب و احترام خاص را رعایت نماییم تا از این رهگذر جامعه ای سالم داشته باشیم.

تأمل و تعمق بیشتر به مقوله ادب و احترام و سلام و تحیت در حدیث شریف کساء، نکات آموزنده دیگری را نیز نشان می دهد که به برخی از آنها اشاره می شود.

## گفتگوی های تربیتی، حکیمانه و آموزنده حدیث کساء

### اشاره

#### (1)

### 1. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با فاطمه علیها السلام

قبل از هر چیز نکته تأمل برانگیز اینکه حضرت زهرا علیها السلام نام پدر را با احترامی خاص، یعنی با لقب «رسول الله» (دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ) یاد می کند. تلقیب و تکنیه در زبان عربی نوعی تکریم به حساب می آید و در کنیه و لقب لذت خاصی احساس می شود؛ زیرا اسم محبوب و مخاطب تکرار می شود.

هنگامی که پیامبر بر صلی الله علیه وآله وسلم فاطمه علیها السلام وارد می شود با سلام آغاز سخن می فرماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ». آن گاه حضرت زهرا علیها السلام جواب سلام می فرماید: «عَلَيْكَ السَّلَام». سپس علاوه بر جواب سلام، برای

ص: 31

---

1- یکی از نیازها و مسائل رایج بین مردم دنیا، گفتگوهای گوناگون مانند گفتگوهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی، تربیتی و غیره است. بهترین الگوهای گفتگو، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت هستند. محور گفتگو در اسلام، حسن نیت، صداقت، تکریم و احترام متقابل و اخلاص است

سلامتی پدر بزرگوار، در پیشگاه خداوند دعا می نماید: «أَعِيذُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ». ادامه گفت و گوی عاطفی بین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و فاطمه علیها السلام به این جا منتهی می شود که هنگام اذن ورود در زیر کساء، حضرت زهرا علیها السلام به پدر سلام می کند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ»، رسول خدا نیز در پاسخ سلام فاطمه علیها السلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي وَيَا بَضْعَتِي» در این جا عناوین عاطفی و جذّاب «پدرم» یا «رسول الله» و «دخترم» و «پاره تنم» «فَغَطَّيْنِي، تو مرا بپوشان» به کار رفته که از منظر تربیتی و عطوفت و مهربانی بسیار قابل تعمق و تأمل است.

## 2. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام

پس از گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با فاطمه علیها السلام، اولین گفت و گوی محترمانه از جانب امام حسن علیه السلام با مادر و سپس با جدّ بزرگوار خود یعنی حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آغاز می گردد. امام حسن علیه السلام با ادب و احترام خاصی با تعبیر ریشه دار «أمّ» به مادر سلام می کند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ»، حضرت زهرا علیها السلام نیز با پاسخی مضاعف و اظهار محبت خاص در جواب می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ تَمَرَةَ فُؤَادِي». تعبیر «نور دیده» و «میوه دل»، دو تعبیر بسیار عاطفی و دلپذیر و مملوّ از مهر و محبت است که حضرت زهرا علیها السلام به عنوان مادر درباره فرزند خود به کار می برد؛ زیرا برای هر چیزی ثمره و برای هر درختی میوه ای هست و فرزند انسان میوه دل و میراث حقیقی انسان است، دل نیز مخزن محبت است. این گفت و گو نیز سرانجام به آنجا منتهی می شود که امام

حسن علیه السلام با اجازه ورود از جدّ بزرگوار خود زیر کساء قرار می گیرد و به آن بزرگوار سلام می کند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ». پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نیز در جواب سلام امام مجتبی علیه السلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي (1) وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي».

### 3. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسین علیه السلام

سپس همین نوع گفت و گو با احترام و ادب خاصی بین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و فاطمه علیها السلام و امام حسین علیه السلام تحقق می یابد. هنگامی که امام حسین علیه السلام به مادر سلام می کند: (السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّاهُ)، حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ فرزندش امام حسین علیه السلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِي». در اینجا حضرت زهرا علیها السلام با سه عنوان فرزند خود امام حسین علیه السلام را مورد مهر و محبت قرار می دهد: «فرزندم»، «نور چشمم»، «میوه دلم». این گفت و گو نیز منتهی می شود به آن جا که امام حسین علیه السلام پس از اذن ورود، به جدّ بزرگوار خود سلام می کند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا جَدَّاهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ» و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نیز در پاسخ می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي». پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم امام حسن علیه السلام را صاحب حوض و امام حسین علیه السلام را شافع امت معرفی فرموده که اشاره است به دو مقام حسنین علیهما السلام در قیامت.

ص: 33

---

1- از این کلام زیبا و محبت آمیز استفاده می شود که نوه انسان نیز به منزله فرزند انسان است.

#### 4. گفت وگوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت فاطمه و حضرت علی الا

پس از ورود حسنین علیهما السلام در زیر کساء، امیرالمؤمنین علیه السلام قبل از اذن دخول از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به فاطمه علیها السلام سلام می نماید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ»، حضرت زهرا علیها السلام نیز در پاسخ سلام محبت آمیز امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ». حضرت علی علیه السلام با تعبیر «بنت رسول الله» نهایت ادب و احترام را برای دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به عمل آورده و حضرت فاطمه علیها السلام نیز در جواب سلام به طور مضاعف به دو عنوان حضرت علی علیه السلام اشاره فرموده است: «أَبَا الْحَسَنِ» و «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ».

#### 5. گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام

پس از این گفت و گو و هنگام اذن ورود زیر کساء، امیرالمؤمنین علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم سلام می کند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ». پیامبر اکرم نیز با تکریم خاص و مضاعف در جواب سلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي وَيَا وَصِيَّي وَخَلِيفَتِي وَصَاحِبَ لِيَوَائِي» و به چهار منصب و عنوان علی علیه السلام اشاره می فرماید (برادر، وصی، خلیفه، صاحب لواء).

#### 6. گفت وگوی خدا و جبرائیل و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم

اصحاب خمسۀ کساء پس از تشریفات و ادب و احترام خاص و



متقابل، همه در زیر کساء قرار گرفتند. آنگاه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَتِي...»، تا این که جبرئیل نیز ابتدا از خدا اجازه گرفت: «فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لَا كُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا» و به این مقدار هم اکتفا نکرد و با این که اجازه خداوند کافی بود، اما به احترام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت علیهم السلام: اولاً بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم سلام کرد، ثانیاً با احترام خاصی سلام خدا را با تعبیر زیبا به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم ابلاغ نمود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلْعَلَى الْأَعْلَى يُقْرَأُكَ السَّلَامُ وَمِيخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ»، ثالثاً قبل از ورود زیر کساء از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اجازه دریافت کرد. آنگاه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نیز با احترام و تکریم خاصی جواب سلام جبرئیل را می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيَّ اللَّهُ».

در گفت و گوی جبرئیل با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم چند نوع احترام و مراتب احترام به چشم می خورد: یکی اجازه جبرئیل از خدا برای هبوط به زمین و ورود بین اصحاب کساء، دیگر سلام جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با تعبیر «یا رسول الله»، سوم نیز ابلاغ سلام خدا به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که نام خدا را نیز با احترام و با کلمه «اعلی» (1) به کار برده است و در آخر نیز پاسخ کریمانه پیامبر به جبرئیل با عنوان «امین و حی خدا» بیان شده است.

ص: 35

---

1- در اینجا کلمه «آلاغلی» به کار رفته که بیانگر نهایت تواضع در پیشگاه خداوند در حال سجده است

### اشاره

حدیث کساء افزون بر جاذبه قوی و کلمات جذاب آن و معرفت و محبت خاصی که در وجود انسان ایجاد می کند، آثار و فوائدی دارد که در متن پایانی حدیث شریف کساء، آنگاه که امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سؤال نمود: «أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُسَ نَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ» (مرا آگاه نما که این نشستن ما در زیر کساء چه فضیلتی نزد خدا دارد؟)، به آن اشاره شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در پاسخ سؤال امیرالمؤمنین نخست با دو سوگند که حاکی از اهمیت موضوع است، آغاز می کند: «فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَأَصَّ طِفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا» (سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و به رسالتی نجات بخش برگزید)؛ یعنی سوگند به دو موضوع عظیم نبوت (بعثت و رسالت) و سپس به پنج فائده مهم اشاره می فرماید: « مَا ذُكِرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا إِلَّا... » (و این خبر ما در مجلسی از مجالس اهل زمین که گروهی از شیعیان و دوستان ما در آن باشند یاد نشود جز آنکه...). این فوائد عبارتند از:

### 1. نزول رحمت خاص

«نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ» (رحمت خدا بر آنان نازل گردد).

رحمت به معنی مهربانی و نعمت و عنایت و لطف خداوند برای رفع

کاستی ها و کمبودها است که دامنه ای وسیع و گسترده دارد و تمام مواهب جهان را شامل می شود. خداوند دو نوع رحمت دارد: یکی رحمت عام که شامل تمام موجودات جهان اعم از انسان و غیر انسان و مسلمان و غیر مسلمان می شود؛ مانند نعمت باران و رزق و غیره. دیگری نعمت خاصّ که مخصوص اهل ایمان و بندگان خاصّ خدا است: (أُولَئِكَ عَلَيْكُمْ صَلَوَاتُ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ) (1).

اکنون با توجّه به سیاق حدیث شریف کساء و جملاتی نظیر «وَ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ...»، آشکار می شود که منظور از رحمت در جمله «نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ»، رحمت خاصّ است. خداوند نسبت به تمام بندگان خود مهربان است و به تمام افراد بشر نعمت ها و موهبت های فراوانی مانند باران، قرآن، هدایت، عقل و غیره عطا فرموده، اما نسبت به کسانی که به وسیله حدیث کساء به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام توسل پیدا می کنند و خیر مهم حدیث کساء را در مجالس خود بازگو و یادآوری می کنند، رحمت ویژه و نعمت خاصّ عطا خواهد نمود: «وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ.»

## 2. عنایت ویژه فرشتگان

«وَ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَ اسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ» (و فرشتگان آنان را در میان گیرند و برای آنان آمرزش طلب کنند).

فرشتگان الهی فراوانند و باور به آنان جزء اعتقادات اهل ایمان

ص: 37

است: (وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ...) (1)؛ فرشتگانی چون اسرافیل، میکائیل، عزرائیل و جبرائیل و فرشتگان خاص و عام. در این میان، دسته ای از فرشتگان و ملائکه وجود دارند که فرشتگان رحمتند و اهل حدیث کساء یعنی شیعیان و محبان اصحاب کساء را با رأفت و مهربانی خاص در میان گرفته و برای آنان طلب آمرزش می کنند.

نکته بسیار مهم آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به علاقه مندان حدیث شریف کساء دو بشارت می دهد: نزول رحمت و عنایت خاص. ملائکه آن گاه امیرالمؤمنین علیه السلام با شنیدن این دو فایده و بشارت می فرماید: «إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَفَارَزَ شَيْعَتُنَا وَرَبِّ الْكَعْبَةِ» (پس به خدا قسم ما رستگار شدیم و به خدای کعبه سوگند که شیعیان ما نیز رستگار شدند). پس از این موضوع مهم، پیامبر اکرم دو مرتبه با تکرار همان دو سوگند قبل (سوگند به بعثت و رسالت) سایر فوائد و برکات و آثار دیگر حدیث شریف کساء را به این صورت بیان می فرماید: «فَقَالَ النَّبِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا مَا ذُكِرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَ مُجِبِّينَا...»

### 3. بر طرف شدن غصه و حزن

«وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ» (و در آنان اندوهناکی نباشد مگر آنکه خداوند اندوه او را بزدايد و

ص: 38

غمناکی نباشد مگر آنکه خداوند غم او را بگشاید).

یکی از عوامل ویرانگر و تباه کننده انسان، غم و غصه است. هم و غم ممکن است انسان را از پای درآورد و او را به انواع بدبختی ها و خسارت های دنیا و آخرت و بیماری های فراوان دچار سازد که این عامل خطرناک با خواندن حدیث کساء و توجه در آن، برطرف می شود.

ان شاء الله.

هم یعنی حزن و اندوه، اضطراب، ناراحتی و گرفتاری و غم یعنی غصه و سختی و سنگینی که بر قلب وارد می شود؛ مانند ابر (غمام) که پوشاندن را دارد؛ بنابراین هر غمی گرفتاری را هم همراه دارد، اما هر نوع همی الزاماً غم ندارد. انسان هایی که مغموم و محزونند پیوسته در حال فرسوده شدن و اضمحلال درون به سر می برند و خاکستر غم و اندوه را به سر و صورت اطرافیان می ریزند.

آن دل که تویی در وی، غمخانه چرا باشد \*\*\* چون گشته ستون مسند، حنانه چرا باشد

غمخانه دلی باشد، کان بی خبر است از تو \*\*\* چون جای تو باشد دل، غمخانه چرا باشد (1)

بیگانه کسی باشد، کاو با تو نباشد یار \*\*\* آن کس که تو اش یاری، بیگانه چرا باشد

البته هر نوع هم و عمی مذموم نیست. بعضی از آن ها نه تنها مذموم نیست که ممدوح و عامل رشد و تکامل نیز هست. یکی از فضائل و ویژگی های بندگان محبوب خدا، حزن و اندوه معنوی، انسانی، دینی، مسئله آخرت و فراق از محبوب است که از علم و معرفت و غیرت

ص: 39

دینی سرچشمه می گیرد (فَاسْتَشِعِرَ الْحَزْنَ)؛ جامهٔ زیرین او، اندوه است. (1)

بنابراین همان گونه که جامهٔ زیرین مستقیم با بدن در تماس است و به تن چسبیده است، غم و اندوه نیز پیوسته با بندهٔ محبوب خدا مأنوس است.

غم دین شادی هر دو جهان است \*\*\* غم دنیای دون خوردن زیان است

غم دین خور که دنیا غم ندارد \*\*\* عروس یک شبه ماتم ندارد

#### 4. برآورده شدن حاجات

«وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ» (و اگر حاجت خواهی باشد، خداوند حاجت او را برآورد).

درخواست حاجت جزء امور زندگی شبانه روزی همهٔ انسان ها است (حاجات مادی، معنوی، مالی، جسمی، روحی و غیره). حاجت خواستن یعنی احساس و اظهار نیاز در برابر خدای بی نیاز که در دعای توسل نیز به آن اشاره شده است «وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا...». یکی از مهم ترین آثار و فوائد حدیث کساء آن است که اگر کسی حاجتی از خدا بطلبد خدا حاجت او را برآورده خواهد نمود و از مهم ترین حاجات يك مسلمان مسألهٔ تربیت و هدایت و عاقبت به خیری است.

#### 5. رستگاری دنیا و آخرت

«إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَارُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

ص: 40

وَرَبِّ الْكَعْبَةِ» (پس به خدا سوگند ما رستگار و سعادت‌مند شدیم و به پروردگار کعبه قسم که شیعیان ما نیز در دنیا و آخرت رستگار و سعادت‌مند شدند \_ رستگاری منحصر است به شیعه نه محب).

رستگاری و سعادت‌مندی به اندازه ای مهم است که امیرالمؤمنین علیه السلام در ای دو نوبت در حدیث کساء به آن اشاره و کلمه فوز و قسم به کعبه را در دو جا تصریح فرموده است: یکی در حدیث کساء، یکی هم در محراب مسجد کوفه، آن گاه که شمشیر به فرق مبارک اصابت کرد و حضرت به شهادت رسید (فَزْتُ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ). بنابراین همان گونه که با شهادت علی بن ابی طالب علیه السلام، رستگاری تحقق یافت، خواندن حدیث کساء و تعمیق محتوای آن در اعماق جان انسان نیز مقرون به رستگاری است و ضمناً این نکته نیز تداعی می شود که عبودیت و ولایت ارتباط مستقیم با یکدیگر دارند، بلکه برای رسیدن به عبودیت و ربّ کعبه از اول باید متصل و متوسل به ولایت اهل بیت علیهم السلام بود.

### سی نکته مهم حدیث کساء

در حدیث شریف کساء ده ها نکته اعتقادی، توحیدی، هستی شناسی، انسان شناسی، راه شناسی، علمی، تربیتی، اجتماعی، حماسی، عاطفی، اخلاقی، سیاسی، احکام استنباطی و... وجود دارد که عالمان و اندیشمندان متفکر می توانند از این رهگذر روح و روان خود و جامعه را سقایت و اشراب نمایند. در این جا از بین آنها اجمالاً به چند نکته اشاره می شود:

1\_ حادثه کسائیه به اندازه ای مهم بوده که جبرئیل نیز از خدا می خواهد تا تحت کساء قرار گیرد و از اصحاب کساء محسوب شود: «فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ...»

2\_ جبرئیل بعد از آنکه با احترام و ادب خاص از پروردگار متعال اجازه می گیرد. به احترام رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم پس از سلام به آن حضرت، از ایشان نیز اجازه ورود تحت کساء را می گیرد؛ زیرا ادب اقتضا می کند که از صاحبخانه نیز اجازه بگیرند: وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ... فَهَلْ تَأْذُنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيَّ اللَّهُ إِنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ....»

3\_ در حدیث کساء درباره فضائل اهل بیت علیهم السلام، تعبیر «اهل البيت» به کار رفته، نه «آل البيت»: (اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلاءِ أَهْلُ بَيْتِي...); زیرا «آل» مفهوم «اهل» را ندارد، چنانکه درباره پسر حضرت نوح علیه السلام نیز تلویحاً به این موضوع اشاره شده و پسر نوح به عنوان اهل بیت حضرت نوح از سوی خداوند قبول نشد: (إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ....) (1).

4\_ از حدیث کساء استفاده می شود که در آسمان ها و کهکشان ها موجودات زنده ای وجود دارند و در آنجا زندگی می کنند و سکونت دارند: «وَيَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي...» در دعای سوم صحیفه سجّادیه نیز به این موضوع اشاره شده است.

ص: 42



5\_ حدیث کساء باعث دور شدن شیاطین و حضور ملائکه می شود: «وَحَقَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ ...»

6\_ حدیث کساء با اُمُّ الْأَيْمَةِ آغاز می شود: «عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ» و با اُمِّ الْقُرَى پایان می یابد: «رَبِّ الْكَعْبَةِ»

7\_ حدیث کساء با سلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آغاز می شود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ»، و با سلام خداوند خاتمه می یابد: «الْعَلَى الْأَعْلَى يُقْرَأُكَ السَّلَامُ....»

8\_ حدیث کساء با دعای حضرت زهرا علیها السلام و سخنان شیرین او آغاز می شود: «أَعِيذُكَ بِاللَّهِ» و با دعای امیرالمؤمنین علیه السلام پایان می یابد: «وَرَبِّ الْكَعْبَةِ».

9\_ حدیث کساء یک گفت و گوی جامع و شگفت انگیز عارفانه، حکیمانه، تربیتی، عاطفی و صمیمی و خانوادگی در نهایت صفا و صمیمیت و با کلمات محبت آمیز با محوریت امامت و رهبری اهل البيت عليهم السلام و آیه تظهير است؛ گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با فاطمه علیها السلام (پدر و دختر)، گفت و گوی فاطمه علیها السلام با امام حسن و امام حسین علیهما السلام (مادر و فرزند)، گفت و گوی فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام (زن و شوهر)، گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با علی علیه السلام، گفت و گوی خدا با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و بالاخره گفت و گوی خدا با ملائکه و جبرائیل و سگان آسمان ها، باب این گفت و گوها را پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با سلام به حضرت زهرا علیها السلام گشود.

10\_ در حدیث شریف کساء علاوه بر الفاظ و کلمات دلربا و جذاب، نمونه هایی از دیدن، اشاره کردن، استشمام و غیره هم به چشم

میخورد؛ مثلاً به منظور معرفی اهل بیت علیهم السلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در قالب کلمات دلنشینی فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي...» سپس با عمل نیز همین موضوع را تأیید و آشکار فرمود (أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي الْكِسَاءِ وَ أَوْمَأُ يَدَهُ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ...). همچنین حضرت زهرا علیها السلام علاوه بر گفتگوهای عاطفی با پدر بزرگوار، به دیدن نور نبوت و نور ظاهری و باطنی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نیز اشاره فرمود: «وَصَرْتُ أَنْظُرُ وَصِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَإِذَا وَجَّهْتُ يَتَلَوُّ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ». در چند مورد نیز به استشمام و احساس بوی خوش (رَبِحَةَ طَيِّبَةٍ) اشاره شده است. بنابراین در حدیث کساء علاوه بر انتقال مطالب مختلف به وسیله کلمات و

مجموعه الفاظ، موضوع استشمام، احساس دیدن باطن، حرکت دست و اشاره به آسمان و... نیز وجود دارد.

11\_ بشارت ها و نزول رحمت الهی که در حدیث کساء به آن اشاره شده، تنها به حضور در محفل خاص و خواندن حدیث کساء و حتی وجود انسان اختصاص ندارد، بلکه اگر شیعه ای محب اهل بیت علیهم السلام باشد (و مُجِيبًا)، یا به طور کلی در محفل نباشد بلکه شخص به تنهایی حدیث شریف را بخواند یا حتی از جنس انسان هم نباشد بلکه جنّ باشد (فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ)، در تمام موارد مذکور (مَا ذُكِرَ خَبَرْنَا هَذَا....) مشمول رحمت الهی خواهد بود؛ زیرا دایره اثر بخشی این حدیث، بسیار وسیع و گسترده است.

در عین حال، چنان که از مضمون حدیث استفاده می شود، بهترین مصداق کلمات و مفاهیم حدیث کساء آن است که جمعی از شیعیان و

مَحْتَبِينَ (مهمومین و مغمومین و حاجت مندان) در مجلس و محفل ذکر اهل بیت، به ذکر آنان و قرائت حدیث کساء پردازند: « مَا ذُكِرَ خَبَرْنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْءٍ يَعْتَنَانَا وَمُجِيبِنَا... » و با توسل به اهل بیت علیهم السلام حاجات خود را از خداوند بخواهند و بدین وسیله هم و غم را از درون خویش بزایند.

12\_ در حدیث کساء پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در پیشگاه پروردگار با دست راست خود به آسمان اشاره کرد و دعا نمود: «وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيَمْنَى إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ اللَّهُمَّ... فَاجْعَلْ 1\_ صَلَوَاتِكَ 2\_ وَبَرَكَاتِكَ 3\_ وَرَحْمَتَكَ 4\_ وَغُفْرَانَكَ 5\_ وَرِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ 6\_ وَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ 7\_ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً» که متعاقب این هفت نوع دعا و تقاضاهای پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، آیه تطهیر نازل شد و بدین وسیله دعاهای پیامبر درباره اهل بیت علیهم السلام مستجاب گردید. این دومین دعای مستجاب در حدیث کساء است که یکی در آغاز حدیث بود؛ یعنی دعای مستجاب حضرت زهرا علیها السلام (أُعِيدُكَ بِاللَّهِ...) و دیگر در این جا که دعای مستجاب پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و نزول آیه تطهیر است.

13\_ در حدیث شریف کساء به مجموعه تعالیم دینی که در سه بخش اعتقادی، اخلاقی و احکام و آداب خلاصه می شود در ابعاد مختلف اشاره شده است؛ مثلاً درباره توحید و پناهندگی به خدا: (أُعِيدُكَ بِاللَّهِ) و نیز در همین موضوع درباره اختر شناسی، کیهان شناسی، زمین شناسی، فُلك، فُلك، دریا و تأمل و توجه به آیات عظیم الهی: (سكان سماواتي... سماء مَبْنِيَّةٌ وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةٌ وَلَا قَمَراً مَنِيراً وَلَا شَمْساً

مُضِيئَةً وَلَا فَلَكَآ يَدُورُ وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَكَآ يَشْرِي)، تعابیری ذکر شده که مفاهیم توحیدی بسیار مهمی در آنها نهفته است با تعمق در بحر عمیق این کلمات، نور توحید در وجود انسان تقویت می گردد؛ به ویژه «أَرْضًا مَدْحِيَّةً» و «دَحْوُ الْأَرْضِ» یا کلمه «قمر و شمس» که شامل همه اقسام و کلّ شمس می شود، یا «بَحْرًا يَجْرِي» که به جزر و مدّ دریاها یا صعود به آسمان و هبوط به زمین و تبخیر آب و مسئله باران اشاره دارد. مجموعه این تعبیرهای بلند (شمس، قمر، فَلَكَ، فَلَكَ) در سوره یس و آیات دیگر قرآن نیز آمده است؛ مانند: (فِي الْفَلَكَ الْمَشْحُونِ) یا (فَلَكَ يَسْبَحُونَ) یا (وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاها) .

استفاده از این تعابیر در حدیث شریف کساء البته حاوی یک نکته مهم دیگر است و آن اینکه هر یک از این کلمات با فعل مضارع که برای استمرار است و نیز با اسم مفعول آمده است: «سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَرًا مَنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً وَلَا فَلَكَآ يَدُورُ وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَكَآ يَشْرِي». از همه مهم تر اینکه این تعابیر، مبین این نکته است که موضوع ولایت اهل بیت علیهم السلام و امامت آنان با کلّ نظام هستی و آفرینش جهان در ارتباط و در هم تنیده است که در اینجا هزاران نکته باریک تر از موجود دارد.

مَا مِنْ سَمَاءٍ خَلَقْتُهَا مَبْنِيَّةً \*\*\* وَ لَيْسَ اَرْضٌ فِي التَّرَى مَدْحِيَّةً

وَلَا خَلَقْتُ قَمَرًا مَنِيرًا \*\*\* كَلَّا وَلَا شَمْسًا اَضَاءَتْ نُورًا

خداوند آیات عظیم خود مانند سماء و ارض را نام برده و به طور

کلی نفرموده «ما خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ» بلکه به نمونه های مهمی از نظام آفرینش و عظمت خلقت اشاره فرموده تا انسان با مطالعه آیات الهی، خدا را بشناسد، آنگاه بفهمد و اقرار کند که خداوند تمام این نظام آفرینش با آن همه عظمت را به طفیل وجود اهل بیت علیهم السّلام آفریده و درخت عالم را به خاطر معصومین علیهم السّلام آبیاری کرده است.

بنابراین هنگامی که به اطراف خود (زمین، آسمان، کهکشان ها، افلاک، دریاها، ماه و خورشید...) نگاه می کنیم (نگاه عمیق توحیدی)، محبت اهل بیت علیهم السّلام را در درون وجودمان افزون می یابیم؛ زیرا تمام جهان آفرینش را خداوند به خاطر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلّم و اهل بیت علیهم السّلام آفریده (إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةٍ ... إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ...) آسمان با عظمت (سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ)، زمین گسترده و پهناور (أَرْضًا مَدْحِيَّةً)، ماه تابان (قَمَرًا مَنِيرًا)، خورشید نورافکن و باعظمت (شَمْسًا مُضِيئَةً)، کهکشان ها و گردش سیارات بر مدار ستارگان (فَلَكَائِ يَدُورُ)، آب های جاری دریاها و رودها (بِحَرًّا يَجْرِي)، حرکت کشتی ها در دل اقیانوس ها (فَلَكَائِ يَسْرِي)، همه به خاطر محبت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلّم و اهل بیت علیهم السّلام است (یعنی اهل بیت علیهم السّلام کلید گنج های عالم هستی و نظام آفرینش هستند).

بعد از موضوع توحید، مسأله قیامت از جمله مسائل مهم اعتقادی است که در حدیث شریف کساء با تعبیرهای خاصی از آن یاد شده است؛ مانند: «صَاحِبِ حَوْضِي» یا «شَافِعِ أُمَّتِي». همچنین به فرازهای دیگری از معارف دین مانند احکام، اخلاق و آداب با تعبیرهای خاصی اشاره شده است؛ مانند سلام و ردّ سلام، دعا برای مریض، نظر به

صورت پدر: (وَصِيْرَتْ أَنْظُرٌ إِلَيْهِ)، نظر به صورت معصوم علیه السلام، معطر بودن و استعمال بوی خوش و نظافت: (إِنِّي أَشْمُ رَائِحَةً طَيِّبَةً...). دیگر موضوعات عبارت است از: مدح مؤمن و توفیر او، احترام به بزرگتر و ترحم به کوچک تر: (وَقُرُوا كِبَارَكُمْ وَازْحَمُوا صِغَارَكُمْ)، احترام، همسر طلب استغفار، ادخال سرور، طهارت و پاکی، برآوردن حاجت دیگران و....

14- در حدیث شریف کساء، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «إِنِّي أجدُ فِي بَدَنِي ضِعْفًا». کلمه «بَدَنِي» توهم هر نوع بیماری روحی و نفسی را رفع و دفع می کند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در جریان کسائی، يك ضعف داشته که با دعای حضرت زهرا علیها السلام آن ضعف جسمی برطرف گردید. در قرآن نیز مشابه این موضوع درباره حضرت ابراهیم علیه السلام آمده که خداوند از زبان ابراهیم علیه السلام فرموده: (إِنِّي سَقِيمٌ) (1).

15- در حدیث شریف کساء پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به نام مقدس اهل بیت (چهار نفر) تصریح نمود تا توهم نشود زن های پیامبر هم جزء اهل بیت اند «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي... هُمُ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا». در این جمله از یک طرف کلمه اهل بیت به کار رفته (با حکمتی که در نکته 3 اشاره شد) و از سوی دیگر نیز با تصریح به چهار نفر که با خود پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم پنج نفر می شوند به اهل بیت خاص یعنی معصومین اشاره شده و بر این اساس مراد از اهل بیت، اهل بیت عام که زینب، ام کلثوم،

ص: 48

علی اکبر، ابا الفضل علیهم السلام هستند، نیست. (1) ابتکار پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم این بود که حصر آیه را به صورت عملی و خارجی تجسم نمود؛ به این نحو که وقتی ام سلمه خواست به زیر عبا وارد شود پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با رعایت احترام برای وی، او را از این عمل منصرف نمود و به او فرمود: «اِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ» و با کشاندن عبا به دور اهل بیت خاص (خمسۀ طیبه) موضوع این آیه را عملاً و خارجاً به همان چند نفر اصحاب کسا علیهم السلام منحصر فرمود.

16\_ ممکن است این سؤال به ذهن خطور کند که چرا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای منظور و هدف مقدسی که داشت، کساء و گلیم را انتخاب فرمود؛ در صورتی که ممکن بود زیر سایه درخت یا در اتاق یا در مسجد و امثال آن، برنامه ایشان اجرا شود. در پاسخ می توان اظهار داشت که شاید به این دلیل باشد که لباس يك مسأله عمومی و جهانی است و برای تمام مردم دنیا يك عامل پوشش است و مردم با آن در ارتباط هستند؛ در صورتی که زیر سایه درخت یا امثال آن این عمومیت را ندارد. بنابراین همین پوشش عمومی و معمولی مردم می تواند موضوع کسائیه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را تداعی کند و تقریب به ذهن گرداند و مردم از این رهگذر به هدف پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که مسئله ولایت است آگاه شوند و از آن پوشش عام به پوشش خاص یعنی قضیه کسائیه پی ببرند؛ همان طور که در واقعه غدیر خم کنار آب به نوعی دیگر تداعی معانی می کند. از

ص: 49

سوی دیگر، نیز شاید علت این که کسای یمانی انتخاب شد نه کسای شامی یا عراقی، ضخیم بودن یا بلندتر و بزرگ تر بودن و مرغوبیت خاص آن بوده یا شاید هم جز آن کسای یمانی، گلیم دیگری در دسترس نبوده است که این نظریه با توجه به الف و لام «ایتینی» در شأن حدیث کساء نیست: «إِيتِنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ فَغَطِّنِي بِهِ.» «ضمناً فاء (فغَطِّنِي)» نیز فاء تفریع است؛ یعنی کسانی که قابل این پوشش هستند؛ مانند آن جا که حضرت زهرا فرمود: «دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي، فَقَالَ...» که فاء «فقال» فاء تفریع است و نفرمود «وقال»؛ زیرا نکته ای در فاء هست که در و او نیست.

17\_ حدیث کساء از بزرگت رین و مهم ترین داروهای معنوی و ضد افسردگی و اضطراب است (فَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ... وَ كَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ...) که ای کاش جامعه اسلامی به همان اندازه ای که برای دردهای جسمی، روحی و روانی به داروهای عوارض ساز شیمیایی اعتماد داشت به این عامل سرنوشت ساز معنوی به عنوان درمان دردهای معنوی پایبند بود. ظاهراً برای خواندن حدیث کساء آداب خاصی نیامده، اما به نظر می رسد با توجه به کلمات جذاب عاطفی آن، مانند فاطمه، زهرا، رسول الله، امّاه، اشم رایحه طیبه و... اگر با صدای دلنشینی همراه با روشن نمودن عود و استفاده از عطر و گلاب و نشست جمعی از شیعیان در فضای سرسبز و خرم و در صورت امکان کنار آب و پوشیدن عبا انجام پذیرد از نظر روانشناسی و آرامش روح و روان تأثیر بیشتری بر مخاطبان و خوانندگان داشته باشد.



حدیث شریف کساء از چند منظر قابل توجه و دارای چند نوع وجود است.

وجود کتبی یا لفظی که الفاظ و کلمات نورانی آن مملو از زیبایی کلام و محبت آمیز و سرشار از بُعد عاطفی و جذّابیت فراوان است؛ لذا زمزمه کلمات شیرین آن و نیز نوشتن، خواندن و شنیدن و نیز همراه داشتن متن حدیث کساء مایه خیر و برکت و آرامش انسان خواهد بود.

وجود ذهنی (که در ذهن هر کس از شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام خمسه طیه جای دارد). جای داشتن اهل بیت علیهم السلام در ذهن موجب آرامش، نورانیت دل و باطن و جان و صفای درون خواهد بود. حدیث کساء قلب و عقل انسان را صیقل میدهد و باعث شکوفایی عقل نیز خواهد گردید.

وجود ماهوی و عمق معانی و معارف ژرف و عالی حدیث کساء اعم از بُعد احساسی و حماسی و نیز بُعد ماهوی معرفتی و اعتقادی و تربیتی آن از ژرفای فراوانی برخوردار است. بنابراین جهت بهره مند شدن کامل از ابعاد مختلف حدیث شریف کساء اولاً در خواندن و نوشتن و استماع آن دقت شود که به طور صحیح و بی غلط اداء شود. ثانیاً تصوّر ذهنی آن به محوریت آن مقرون گردد؛ زیرا محور آن ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام است که ذکر اهل بیت علیهم السلام انسان را به ذکر حقیقی خداوند منتقل می سازد (ذِکْرُنَا ذِکْرُ اللَّهِ). ثالثاً به عمق محتوا و بُعد ماهوی حدیث با نگاه حماسی و فکری و اعتقادی توجه شود تا از این رهگذر زندگی دینی، حال و هوای محبتی و ولایتی پیدا کند. ان شاء الله.

اول موضوعی که برای آن سوگند یاد می شود (معمولاً برای چیز مهم قسم می خورند).

دوم کسی که سوگند می خورد (معمولاً قسم انسان بزرگوار و محترم معتبر است، نه هر کسی).

سوم به چیزی که از آن سوگند یاد می شود (آن چیز نیز باید مهم و ارزشمند باشد؛ مثلاً در قرآن مجید خداوند در سوره تین به چهار چیز مهم و نیز به موضوع با عظمتی یعنی آفرینش انسان در بهترین قوام ها سوگند یاد نموده است).

در بخش پایانی حدیث شریف کساء موضوع مهمی که برای آن سوگند یاد شده، نزول رحمت و فرشتگان الهی و رفع هم و غم و برآورده شدن حاجات و سرانجام رستگاری است که تمامشان به وسیله حدیث کساء و توسل به اهل بیت علیهم السلام به دست می آید. امیرالمؤمنین علیهم السلام سلام برای همین موضوع قسم خورده است؛ همان طور که هنگام شهادت در مسجد کوفه برای مسئله مهم شهادت سوگند یاد نمود (فُزْتُ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ). در اهمیت این موضوع همین بس که امیرالمؤمنین علیه السلام در این حدیث شریف برای این مسئله دو نوبت سوگند یاد نموده است: « فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ قُرْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شَبِعْتُنَا فَارْزُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ. »

پس هم موضوعی که برای آن سوگند یاد می شود و هم چیزی که به آن سوگند یاد می شود باید هر دو مهم و با یکدیگر متناسب باشند؛  
مثل

این که مسئله شهادت در راه خدا با سوگند به ربّ الکعبة تناسب دارد. در این حدیث شریف نیز مسئله امامت و ولایت به عنوان محور حدیث و توسل به اصحاب کساء با سوگند به ربّ الکعبة تناسب فراوانی دارد؛ زیرا در روایات اشاره شده که «مَثَلُ امَامٍ مَثَلُ كَعْبَةٍ اسْت.» (1) دیگر آن که به کعبه ای سوگند یاد شده که اُمُّ الْقُرَى است و همه فکرها و دل ها و فطرت ها به طرف آن توجه و گرایش دارد. در این جا نیز اهل بیت علیهم السلام یا همان اصحاب کساء کعبه دل ها و فطرت های سالم هستند. بر این اساس آشکار می شود با توجه به مضمون و محتوا و محور حدیث کساء، کعبه متناسب ترین چیزی است که می توانست به آن سوگند یاد شود و گرنه چیزهای دیگر مانند صفا و مروه و امثال آن نیز برای سوگند خوردن وجود داشت.

19\_ نه تنها مطالب، فرازاها و بخشهای مختلف حدیث کساء در منابع روایی و احادیث متعدد دیگر آمده است (مانند «لَا جَلِيكُمْ» که به حدیث قدسی «لَوْلَاكَ...» شباهت دارد)، بلکه نمونه های فراوانی از واژه های به کار رفته در دعاهای مشهور، مشابه تعبیری است که در این حدیث شریف استفاده شده است که از ده ها نمونه به چند مورد اشاره می شود:

«أَهْلُ النَّبُوَّةِ» (مشابه آن در زیارت جامعه که به شناسنامه

ص: 53

---

1- سفينة البحار، ج 2، ص 282 (کعب). در بعضی روایات نیز پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «مَثَلُ عَلِيٍّ كَمَثَلِ الْكَعْبَةِ»، علت این تشبیه نیز آن است که مردم دور کعبه می گردند نه کعبه دور مردم (اذ یؤتی و لا یأتی). نیز کعبه مانند امام مایه قوام دین و محبوب مردم است و از حرمت خاص برخوردار

اهل بیتعلیهم السّلام معروف است نیز آمده است).

«وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ» (مشابه آن در دعای توسل: بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا) یا در دعای ابوحمزه: «فَلَا تُرَدِّنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي».

«نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ» (مشابه آن در دعای کمیل: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» یا در دعای عرفه: «لَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ».

«بَحْرًا يَجْرِي» (مشابه آن در دعای عهد: «وَرَبُّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» و نیز در دعای جوشن: «يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ»).

«الَّتَحِيَّةُ وَالسَّلَامُ» (مشابه آن در دعای جوشن: «يَا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ»).

«الْأَعْلَى الْأَعْلَى» (مشابه آن در دعای عرفه: «الْأَعْلَى الْكَبِيرُ»).

«سَمَاءٌ مَبِينَةٌ وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةٌ...» (مشابه آن در دعای یستشیر: «سَمَاءٌ مَبِينَةٌ وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةٌ»).

«سُكَّانَ سَمَاوَاتِي» (مشابه آن در دعای سوم صحیفه سجادیه: «سُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ»).

آیه تطهیر همراه با جملات یا آخی و یا وصیی و خلیفتی و صاحب لوائی... لَحْمُهُمْ لَحْمِي و دَمُهُمْ دَمِي... أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَسَيَلْمُ لِمَنْ سَالَ مَهُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ...» (مشابه آن در دعای ندبه همراه با آیه تطهیر: أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي... لَحْمِكَ لَحْمِي و دَمُكَ دَمِي...).

«تمام اصحاب کساء حتی جبرئیل که قبلاً از خدا اجازه گرفته بود،

از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اذن دخول و اجازه ورود تحت الکساء گرفتند» (مشابه آن در زیارتگاه ها و زیارت اولیای الهی نیز وجود دارد که قبل از ورود در داخل حرم مطهر، ابتدا با عرض ادب و احترام اذن دخول میگیریم و وارد شده است که بگوییم: «أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟»).

«در حدیث کساء بیست نوبت کلمه «سلام» با تعبیر «السَّلَامُ عَلَیْكَ» شامل سلام های متعدد با جواب های مضاعف آنها مانند سلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به فاطمه علیها السلام آمده است» (مشابه آن در زیارت عاشورا نیز در قالب سلام بر رسول خدا، امیر المؤمنین، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام با تعبیر «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ...» وارد شده است. البته در زیارات دیگر نیز سلام بر نبی و با تعبیر «سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ، سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ، سَيِّدَةَ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ» نیز آمده است؛ چنان که در آغاز زیارت عاشورا سلام به سه سید بزرگوار ذکر شده است).

حدیث شریف کساء در کیفیت مطالب و محتوا و موضوعات متعدد و نیز در کمیات کلمات و الفاظ دلنشین، شباهت های فراوانی با مجموعه دعاهای مشهور و معروف دیگر دارد و معجون مرکبی است از تمام معارف و پیام های دیگر دعاها و احادیث؛ افزون بر آن، متن، این حدیث از یک نوع آهنگ و پیام عاطفی خاص و جذّاب نیز برخوردار است.

20\_ حدیث شریف کساء که متن آن بر سندیت محکم آن دلالت دارد، دارای اسرار و رمز و رازهای ناشکفته ای است که تا کنون کسی از آن ها مطلع نگردیده است؛ مانند این که: هبوط جبرئیل علیه السلام به سوی زمین

اولاً- چگونه و با چه سرعتی بوده و چگونه ورود ایشان تحت الکساء تحقّق یافته است؟ یا چگونه در بین آن همه فرشتگان مقرب الهی، جبرئیل اذن ورود تحت الکساء را گرفت؟ یا این که جبرئیل مانند داستان دحیه کلبی به شکل انسان بوده یا نظیر حدیث معراج بوده که جبرئیل از آسمان به زمین آمد و همراه و همگام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با براق به معراج و مسجد الاقصی رفت؟ هم چنین حضرت زهرا علیها السلام چگونه قبل از نزول جبرئیل از گفت و گوی خدا با جبرئیل خبر داشته است؟ یا مراد از «بعض ایام» کدام ایام بوده است؟ یا چرا «فَمَرّاً مِنْبَرًا» قبل از «شَمْساً مُضِيئَةً» آمده است در صورتی که در قرآن اول شمس آمده و بعد قمر: (وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاها)؟ همین طور، چرا و چگونه ورود تحت الکساء از امام حسن علیه السلام آغاز گردید؟ یا نحوه جلوس اصحاب کساء تحت الکساء چگونه بوده است؟ و.... همه این رموز و اسرار بیانگر آن است که کلمات حدیث شریف کساء نمی تواند از غیر معصوم صادر شده باشد.

21\_ در مواردی از حدیث کساء گاهی چند جمله به طور کامل تکرار شده که با نگاه سطحی و ظاهری به نظر می رسد تکرار باشند، اما اگر با نگاه عمیق به آنها توجه شود نکات بسیار ظریف و مهمی را در بر دارند، مانند: «فَقَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي يَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي اِنِّي مَا خَلَقْتُ...» «وَعَزَّتِي وَجَلَّالِي اِنِّي مَا خَلَقْتُ...». اگر با تأمل بیشتری به این دو فراز بنگریم، می یابیم که در فراز نخست، مخاطب خداوند، ملائکه و سگان آسمان ها است و گویی به آنان گفته می شود که فلسفه

آفرینش جهان، محبتِ خمسۀ طیبه است «إِلَّا لِمَحَبَّةِ هَؤُلَاءِ الْحَمْسَةِ»؛ در صورتی که در فراز دوم، خداوند متعال برای تأکید و تحکیم بیشتر این موضوع و در مخاطبت با تمام عالمیان، به عزّت و جلال خود سوگند یاد نموده (انی ما خلقت...) و آفرینش نظام هستی را فراتر از مسئلۀ محبتِ خمسۀ طیبه، طفیل وجود آنان دانسته است: «إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ...»

بر پایه همین نکته ظریف آشکار می شود که جایگاه با عظمت اهل بیت علیهم السلام نه تنها بر مردم دنیا و اهل زمین که بر اهل آسمان ها و فرشتگان الهی نیز جاری و حاکم است و آسمان، زمین، ماه، خورشید، فلک، دریا، فُلك و تمام هستی بر مدار وجود مقدس آنان در حرکت است. در این میان، این، انسان است که نباید از قافله آفرینش جهان هستی عقب بماند و نظم و انضباط و میزان عالم را بر هم زند: (أَلَا تَطْغَوْنَ فِي الْمِيزَانِ). (1)

22\_ در تأکید پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در دو جمله «بعثني بالحق نبياً و اصطفاني بالرسالة نجياً»، یعنی دو سوگند به دو موضوع مهم (بعثت و رسالت)، بیانگر آن است که اولاً سوگند پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای عموم مردم است نه برای اهل بیت علیهم السلام، تا با ایمان و باور قطعی به تحقق وعده های الهی امید داشته باشند؛ زیرا برای اهل بیت نیازی به قسم نیست و اصحاب کسا «بَعَثَنِي» را باور داشتند. ثانیاً تکرار این دو جمله در دو نوبت با

ص: 57

واژه های بعثت، نبوت، اصطفاء و رسالت به خاطر اهمیت مُقسم علیهم است؛ یعنی نزول رحمت و چهار موهبت دیگر... .

23\_ همان طور که کلمات و آیات قرآن مجید از آغاز تا پایان به صورت زنجیره ای و به ترتیبی خاص با یکدیگر ارتباط دارد، فرازهای گوناگون حدیث شریف کِساء نیز همین ویژگی را دارد. به عنوان نمونه، جمله «قَمَرًا مُنِيرًا» بر «شَمْسًا مُضِيئَةً» مقدم گردیده، در صورتی که بر حسب ظاهر نخست باید شمس و سپس قمر بیاید زیرا نور ماه از خورشید است و خورشید مهمتر از ماه است؛ حال آنکه در این حدیث شریف چون تکیه و تأکید بیشتر بر اعمار آسمان ولایت (معصومین) بوده است، فراز «قَمَرًا مُنِيرًا» مقدم ذکر شده است. به عبارتی، شاید علت این تقدیم و تأخیر از نظر و نگاه باطنی آن باشد که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم پس از نزول آیه تطهیر با طرح دقیق واقعه کسائیه و معرفی يك يك اصحاب کِساء (درست مانند طرح غدیر برای معرفی امیرالمؤمنین) علیه السلام بدین وسیله اصحاب کِساء را به مردم دنیا معرفی نمود تا مردم از همین رهگذر به خدا و به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نزدیک و هدایت شوند. گویی در حدیث کِساء روی کلام و محور اصلی، معرفی اهل بیت و هدایت مردم به وسیله جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است که چونان اقماری در پرتو خورشید نبوت در جهان نورافشانی می کنند. بر این اساس انسان ها از طریق ماه تابان اهل بیت علیهم السلام به خدا و رسول خدا نزدیک می شوند؛ نظیر محتوای کلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأُهَا» که در حقیقت شهر علم پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و علی علیه السلام درب ورودی آن است.



24\_ هنگامی که امام حسین علیه السلام برای رفتن در زیر کساء از جد بزرگوار خود اجازه ورود میگیرد «أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ» «آیا به من اجازه می دهی با شما در زیر کساء باشم؟» به طور معمول، باید «مَعَكَ» می فرمود؛ زیرا از شخص پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اذن ورود گرفته و باید ضمیر مفرد به کار می برد، اما از آن جایی که این خاندان، مظهر ادب و احترام هستند، به احترام برادر خود امام مجتبی صلی الله علیه وآله وسلم که پیش از ایشان در زیر کساء قرار گرفته بود، ضمیر تثنیه به کار برد و فرمود: «مَعَكُمْ».

همین نوع ادب و احترام را امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حضرت زهرا علیها السلام به کار می برد و با اینکه از شخص پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اجازه ورود می گیرد، اما به احترام دیگران که در زیر کساء هستند، ضمیر جمع به کار می برد: «أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ».

25\_ تمام کلمات این حدیث شریف از حضرت زهرا علیها السلام است (زیرا در سند آن آمده است: «عن جابر، عن فاطمه...»). از سوی، فاطمه علیها السلام می گوید: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا مَلَأَيْكَتِي...». بر این اساس معلوم می شود آن حضرت از گفتگوی خدا با ملائکه خبر داشته که قول خدا را در این حدیث نقل می کند. اگر گفته شود وحی منحصر به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است و بعد از ایشان دیگر به کسی وحی نخواهد شد، در صورتی که از مضمون حدیث کساء معلوم می شود به فاطمه علیها السلام هم وحی شده است، در پاسخ می گوئیم:

اولاً شما درباره مصحف فاطمه علیها السلام که قطعی و مسلم است چه می گوئید؟

ثانیاً مقام فاطمه علیها السلام، مقام تحدیث است و او هم محدثه است و هم محدثه. پس اگر می گوید «قال (الله) اشاره به همان مقام محدثه بودن آن حضرت است.

مقام فاطمه علیها السلام آن قدر بلند و متعالی است که پیامبر با آن مقام والایی که در جهان هستی دارد و همه موجودات عالم به او متوسل و ملتجی می گردند و اول شخص عالم است، به فاطمه علیها السلام روی می آورد تا فاطمه علیها السلام برایش دعا کند و با استعاذه وی به مقام ربوبی، ضعف بدنی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برطرف گردد.

26\_ ضعف بدن که در حدیث آمده (انی اجد فی بدنی ضِعفاً)، شاید اشاره به ضعف بدنه و پیکره اسلام باشد که در اثر صدمات و ضربه های فراوان دشمنان اسلام و منافقین ایجاد گردیده بود و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای تبدیل آن ضعف به قوت، احساس نیاز نمود تا دعا کند و به خداوند متوسل گردد. بر همین اساس آن را با فاطمه علیها السلام که «بقیة النبوة» بود در میان گذاشت تا با دعای فاطمه علیها السلام و اجابت آن از سوی خداوند، اسلام و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تقویت گردند. بنابراین منظور از این کلام (انی اجد... آن است

که من یافتم بدنه و پیکره اسلام در معرض خطر و ضعف و سستی است و تنها راه نجات و محل امن و امنیت، پناهندگی به خدا و مصونیت در پرتو اهل بیت علیهم السلام و اصحاب کساء است و شاید به همین منظور پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خانه حضرت زهرا علیها السلام را برای قصه کسانیه برگزید. همچنین شاید بار سنگین مسئولیت و ولایت و تحقق مصادیق آیه تطهیر، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را بر آن داشت تا با کمک و دعای فاطمه علیها السلام سنگینی آن بار را تحمل نماید.

اشاره به این دو نکته بدین جهت است که همان گونه که قرآن ظاهر و باطن و به تعبیر دقیق تر باطن هایی دارد، کلمات معصومین علیهم السلام جمله حدیث شریف کساء نیز دارای ظاهر و باطن است.

27\_ در حدیث کساء چند کلمه است که با وجوه مختلف قرائت می شود:

یکی کلمه «کساء» که به کسر کاف صحیح است (الكِساء بالكسْرِ و المَدِّ و اِحْدِ الاكْسِيَةِ)؛

یکی دیگر کلمه «أَشْمُ» است که به فتح شین صحیح است (وَ هُوَ يَفْتَحُ الشَّيْنَ مُضَارِعُ شَمِّ كَعَلِمٍ وَ أَصْلُهُ يَشْمَمُ بِقَلْبِ الْفَتْحَةِ إِلَى الشَّيْنِ وَادْغَمَتِ)؛ دیگری نیز جمله «يُقْرَأُ كَ» است که به همین صورت یعنی ضم یاء صحیح است و دارای دو مفعول است: یک «كَ» و دیگر «السلام»؛ یعنی «تورا سلام می رساند». (1)

28\_ از جمله «وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ» استفاده می شود که در هنگام دعا مستحب است دست به طرف آسمان بلند شود؛ شاید به این دلیل که ارزاق و تقدیرات الهی از آسمان نازل می شود. البته دست راست افضل است؛ لذا مستحب است انگشتر در دست راست باشد، همچنین مصافحه با دست راست انجام شود یا در قیامت نامه اعمال اهل نجات به دست راستشان داده می شود.

در تقدم دست راست بر دست چپ نکتۀ دیگری نیز وجود دارد؛

ص: 61

«فَرَبَّمَا لَانَ الْيَدَ الْيُسْرَى حَيْثُ كَانَتْ أَقْرَبُ إِلَى الْقَلْبِ لَمْ تَحْتَجِ إِلَى الْحَرَكَةِ وَالْفَعَالِيَةِ الَّتِي تَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْيَدُ الْيُمْنَى الْبَعِيدَةَ عَنِ الْقَلْبِ، حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَى التَّحْرُكِ الْأَكْثَرَ كَيْ تَتَوَازَنَ مَعَ الْيُسْرَى فِي الْقُوَّةِ وَالنِّشَاطِ وَالْحَيَوِيَّةِ.» (1)

29\_ ممکن است انسان به حسب ظاهر تصوّر کند که دعا و خواندن حدیث و توسّل به اصحاب کساء تأثیری در شفای بیمار و همّ و غمّ نداشته و آثاری از آن آشکار نگشته است. در جواب این موضوع باید گفت:

اولاً موارد فراوانی از تأثیر شگفت انگیز حدیث شریف کساء درباره شفای بیماران و امثال آن وجود دارد که قابل اثبات است.

ثانیاً این آثار مرتب بر شیعه و محبّ بودن است که شاید این شرط درست محقق نشده باشد یا آن که گناه بزرگی وجود داشته باشد که مانع استجاب دعا گردد: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ.»

ثالثاً حدیث کساء و سایر دعاها یک عامل قوی و زمینه ساز و مقتضی برای شفای بیماران و رفع حاجات است، ولی علّت تامّه نیست؛ بلکه به نحو اقتضا است؛ همان گونه که بسیار اتفاق می افتد دارو در درمان بیماری تأثیری نداشته باشد یا حتّی ممکن است دعا تحت قبّه امام حسین علیه السلام نیز مستجاب نگردد.

رابعاً گاهی مسئله امتحان شدید خداوند در کار است که خداوند با تحمّل سختی ها و مصائب یا بیماری ها اراده کرده تا شخص مغموم و

ص: 62

محزون، از گناهان پاک و تصفیه شود یا مقامی بزرگ به وی عطا گردد.

خامساً خداوند صلاح و مصلحت انسان ها را از خود انسان ها بهتر می داند؛ بنابراین باید دنبال رضای خدا و صلاح الهی بود: «وَلَا حَاجَةَ هِيَ لَكَ رِضًا وَلِي فِيهَا صَدَاحٌ إِلَّا قَضَىٰ يَتَّهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ «و هیچ حاجتی که رضا و خشنودی تو و صلاح من است نباشد جز آن که آن را برآورده گردانی.» (1) مصلحت نیست که این زمزمه خاموش شود.

30\_ حضرت زهرا علیها السلام در مقام پاسخ به سلام و عرض ادب امام حسن علیه السلام با دو عنوان «قُرَّة عَيْنِي» و «ثَمَرَةُ فُؤَادِي» پاسخ فرمود، اما در پاسخ سلام امام حسین علیه السلام علاوه بر دو عنوان مذکور کلمه «وَلَدِي» را نیز اضافه فرمود که به نظر می رسد چون او فرزند کوچک تر بود، به طور معمول پدر و مادر محبت و نوازش بیشتری به او می نمایند و شاید چون نسل امامان علیهم السلام از امام حسین علیه السلام استمرار داشته، به همین دلیل «وَلَدِي» را اضافه فرموده تا اشاره ای باشد به تمام امامان علیهم السلام و شاید نیز اشاره ای تلویحی باشد به کربلا و عاشورا؛ زیرا درباره امام حسن علیه السلام با وجود همه مظلومیت ها و ستم هایی که به آن امام غریب روا داشتند به او نسبت خارجی ندادند، ولی درباره امام حسین علیه السلام به آن حضرت تهمت خارجی زدند به طوری که در بین مردم به گونه ای تبلیغ شده بود که هر کسی با خلیفه وقت و یزید مخالفت بکند با اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیگانه

ص: 63

است و بر امام وقت خروج کرده؛ لذا امام حسین علیه السلام با سر بریده قرآن تلاوت کرد تا بدین وسیله رفع اتهام کند و اعلام نماید که ای مردم من فرزند پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام هستم. بنابراین افزودن کلمه «ولدی» شاید تلویحا به این دو موضوع و به ویژه داستان غمبار کربلا و عاشورا اشاره داشته باشد. (1)

در پایان نکته ها لطیفه ای غمبار در ارتباط با کلمه «ایتینی بالکساء الیمانی» اشاره می شود، این کلمه یادآور چند «ایتینی» دیگر است:

1. ایتینی بقلم و دوات؛

2. ایتینی بثوب عتیق؛

3. ایتینی بولدی الصغیر.

در این چند مورد تنها به یک مورد توجهی نشد، و آن موردی بود که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: قلم و دوات بیاورید (تا بدین وسیله توصیه به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام مکتوب گردد) اما ملعونی با بی ادبی و توهین گفت: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ. (2)

ص: 64

---

1- ضمناً ممکن است کلمه «ولدی» در نسخه اصلی وجود داشته باشد و در بعضی نسخه ها از قلم افتاده باشد

2- صحیح بخاری، ج 1، ص 65، ح 55؛ ابن ابی الحدید، ج 12، ص 21

## ترجمه منظوم حدیث شریف کساء

ای که از خواب گرانت حسرت بیداری است \*\*\* این حدیث و این خبر از جابر انصاری است

او که نام وی به نیکی بر زبانها جاری است \*\*\* ذکر اصحاب کسا داروی هر بیماری است

گوش کن تا گویمت از آن عزیزان شرح حال

\*\*\*

شد رسول الله روزی در سرای فاطمه \*\*\* وی سلامی کرد تقدیم از برای فاطمه

یافت آنکه پاسخ عشرت فزای فاطمه \*\*\* گویم اکنون تا شود حاصل رضای فاطمه

آنچه را گفت و شنید از جمله حال و مقال

\*\*\*

گفت با صدیقه کبری رسول ذوالمنن \*\*\* این زمان احساس ضعفی می نمایم در بدن

آن کسائی را که باشد از یمن، پوشان به من \*\*\* چونکه بشنید از پدر زهرای اطهر این سخن

کرد با تعجیل فرمان پدر را امثال

\*\*\*

با پدر گفتا که از ضعف بدن در این زمان \*\*\* من پناهت می دهم جانا به خلاق جهان

رفت و آورد از برای وی کسا در آن مکان \*\*\* و آن کسا گردید ابری روی مهر زرفشان

تا ببارد بر خلائق فیض او بی انفصال

\*\*\*

چون رسول الله در زیر کسا مأوی گرفت \*\*\* فی المثل ماه تمام از رخ نقاب آنجا گرفت

نور رویش سطح عرش و فرش را یکجا گرفت \*\*\* در شرف سبقت زمین از عالم بالا گرفت

مجتبی از در درآمد با جلال ذوالجلال

از طریق معرفت بنمود با مادر سلام \*\*\* پاسخ خود را گرفت از دختر خیر الانام

گفت مادر جان چه رخ داده است ما را در مقام \*\*\* بوی عطری می رسد چون بوی جدم بر مشام

گفت در زیر کسا آسوده جدت از ملال

\*\*\*

سبط اکبر شد روان سوی کسا چون آفتاب \*\*\* وی سلام از روی ایمان کرد با ختمی مآب

پس جوابی جانفزا بر وی شد از احمد خطاب \*\*\* تن فدای آن سلام و جان فدای آن جواب

اذن بگرفت و نبی را شد قرین در آن مجال

\*\*\*

بعد از آن آمد حسین بن علی در آن مکان \*\*\* داد بر مادر سلام و یافت پاسخ بی امان

گفت ای مادر نسیمی می وزد در بزم جان \*\*\* چون شمیم جدّ محبوبم رسول انس و جان

گفت آری با حسن زیر عبا آسوده حال

\*\*\*

دُر دریای شهادت خامس آل عبا \*\*\* سوی دیدار نبی شد با سلامی جانفزا

گفت رخصت دارم آیا تا که باشم با شما؟ \*\*\* مصطفی فرمود آری شافع امت بیا

در کسا دادی به حق جان را به جانان اتصال

\*\*\*

ساعتی افزون نشد کآمد ز در سلطان دین \*\*\* داد بر همسر سلام و یافت پاسخ این چنین

السّلام از من شما را یا امیرالمؤمنین \*\*\* باز گفتا آیدم بویی ز فردوس برین

گویا اینجا بود پیغمبر نیکو خصال

\*\*\*

گفت آری کوی ما را او مزین کرده است \*\*\* این سرا را به ز مهر و ماه روشن کرده است



در کسا الحال با سبطین مسکن کرده است\*\*\* بزم ما را زین عمل احسن فاحسن کرده است

شد علی سوی کسا و بود محو آن جمال

\*\*\*

با پیمبر کرد چون عرض سلام آن مقتدا\*\*\* زو سپس بگرفت اذن و گشت وارد در کسا

ص: 66

نورشان گردید ساطع از زمین سوی سما \*\*\* ج معشان شد جمع و چون زهرا بدید آن جمع را

سویشان شد رهسپر با اشتیاقی بی مثال

\*\*\*

آنکه باشد محور آل عبا از احترام \*\*\* با پدر بنمود با شوق و ادب عرض سلام

تا شود ملحق به ایشان شد به اعزاز تمام \*\*\* طالب اذن دخول از حضرت خیر الانام

عاقبت آن جمع را دخت پیمبر شد کمال

\*\*\*

آن زمان فرمود امّ الاولیا خیر النساء \*\*\* اجتماع ما چو شد تکمیل در زیر کسا

سوی حق برداشت ختم انبیا دست دعا \*\*\* خواست در هنگام نفرین و دعا از کبریا

خصم را سوء العذاب و دوست را حُسن المال

\*\*\*

چون مقام پنج تن را دید جبریل امین \*\*\* با شگفتی کرد از یزدان سؤالی این چنین

کیستند ایشان خداوندا مکین روی زمین؟ \*\*\* با کرامات و مقام بی نظیر و بی قرین

حق تعالی فاش گفتا در جواب این سؤال

\*\*\*

فاطمه آنجاست با باب نکوی فاطمه \*\*\* فاطمه آنجاست با سبطین و شوی فاطمه

عالم امکان بود روشن ز روی فاطمه \*\* این همه مجد و علی باشد ز کوی فاطمه

منکر این حرف را در ذات باشد اختلال

\*\*\*

آنکه آمد جبرئیل از سوی ذات لاینام \*\*\* هم سلام آورده از بهر پیمبر هم پیام

کآفریش جمله مرهون شما باشد مدام \*\*\* آیه تطهیر هم آورده با شوق تمام

\*\*\*

باز گفتا داده اذنم خالق جان آفرین \*\*\* تا که در زیر کسا گردم شما را همنشین

پس نبی محترم فرمود با روح الامین \*\*\* من سلام و اذن دادم تا شوی با ما قرین

زان سبب جبریل در برج کسا بگشود بال

ص: 67

داشت این پیغام را جبریل از سوی اله \*\*\* من نکردم خلق چیزی از سفید و از سیاه  
کشتی و دریا و خشکی، انجم و خورشید و ماه \*\*\* آنچه را دادم به حق در عالم ایجاد، راه  
جز به عشق پنج تن انوار ذات لایزال

\*\*\*

گفت با خیر البشر حیدر امام انس و جان \*\*\* محفل ما را چه سودی از برای شیعیان  
گفت هر مجلس که دارد ذکر ما را در میان \*\*\* هر گنهکار و گرفتاری بود در آن مکان  
زین توسل جملگی یابند بر مقصد وصال

\*\*\*

این بشارت را به مولا داد چون ختمی مآب \*\*\* بین چه زیبا داد و عالی پاسخش را بوتراب  
جمله «فزنا و رب العکبه» را کرد انتخاب \*\*\* مرحبا بر آن بشارت آفرین بر آن جواب  
چون که باشد بهترین سرچشمه آب زلال

\*\*\*

اهل بیته را که نزد حق شنیدی احترام \*\*\* بین چه ها کردند اعدای خدا با آن کرام  
گه به تیغ و گه به زهر و گه به آتش که به گام \*\*\* شمه ای از آن مصائب گویم و ای دل مدام  
اشک جاری کن ز چشم و در عزا چون نی بنال

\*\*\*

در دندان نبی بشکست از سنگ جفا \*\*\* شد دو تا از تیغ دشمن فرق شاه اولیا  
گاه نیلی شد ز سیلی صورت خیرالنسا \*\*\* زد شرر زهر ستم بر جسم و جان مجتبی  
پس حسین ابن علی شد راهی راه قتال

\*\*\*

سرور آزاد مردان زاده خیر البشر \*\*\* سوی دشت کربلا بنمود با یاران سفر

از برای یاری دین شد به رزم اهل شر \*\*\* آن منافق لشکر شیاد از حق بی خبر

آب را بستند بر روی وی و اهل و عیال

ص: 68

زاده زهرا میان خاک و خون روز عطش \*\*\* اب شد جسمش ز سوز آتش افروز عطش

کس ندارد آگهی از راز مرموز عطش \*\*\* عاقبت کشتند او را با همان سوز عطش

بر سر نی شد عیان رأس شریفش چون هلال

\*\*\*

السلام ای پنج تن، ای ال اطهار کسا \*\*\* السلام ای پنج تن، ای اولیای کبریا

السلام ای پنج تن، ای زینت ارض و سما \*\*\* با عنایات شما «نحوی» چنین گوید ثنا

ورنه در این ره سخن گفتن از وی باشد محال (1)

ص: 69

---

1- سروده سید مصطفی مهدوی (نحوی)



1. قرآن مجید

2. احقاق الحق، سید نور الله الحسینی المرعشی رحمه الله، تهران: منشورات المكتبة الاسلامیة، 1019ق.

3. آية التطهير، آية الله السيد علي الموحّد الابطحي رحمه الله، قم: المطبعة سيدالشهداء عليه السلام، 1405ق.

4. آیه تطهير و حديث كساء الحاج السيد حسینی الموسوی الكرمانی رحمه الله، قم: چاپخانه علمیة قم.

5. حديث كساء در كتب معتبر اهل سنت، علامه سيد مرتضى عسگری رحمه الله، ترجمه علی اسلامی، انتشارات مجمع علمی اسلامی.

6. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404ق.

7. عوالم العلوم، الشيخ عبدالله البحرانی رحمه الله، قم: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، 1405ق.

8. من فقه الزهرا عليها السلام، آية الله العظمی السيد محمد الحسيني الشيرازي رحمه الله، رشید 1386 ش.

ص: 71



عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ الْأُمُورِ تَوَكَّلِي

وَبِالْخَمْسِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ تَوَشَّلِي

مُحَمَّدَ الْمَبْعُوثِ وَابْنَيْهِ بَعْدَهُ

وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْمُرْتَضَى عَلَيَّ

\*\*\*

لِي خَمْسَةٌ أُطْفَى بِهِمْ حَرَّ الْجَحِيمِ الْحَاطِمَةِ

الْمُصْطَفَى وَالْمُرْتَضَى وَابْنَاهُمَا وَالْفَاطِمَةَ

ص: 72





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده و مهربان

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:

از جابر بن عبد الله انصاری نقل است

سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أَنَّهَا فَالَتْ دَخَلَ عَلَيَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ

از حضرت فاطمه شنیدم که فرمودند روندی پدرم رسول خدا نزد من آمد

فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ ، فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ! فَقُلْتُ

و فرمود سلام بر تو ای فاطمه من گفتم

عَلَيْكَ السَّلَامَ . قَالَ إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا ، فَقُلْتُ

سلام بر تو فرمودم در بدنم ضعفی احساس می کنم به او گفتم

لَهُ أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضُّعْفِ . قَالَ يَا فَاطِمَةُ

پدرجان! تو را از سستی و ضعف پناه خدا قرار می دهم. فرمود ای فاطمه!

ص: 75

ايتينى بالكساء اليماني ، فعطيني به فاتيته

آن كساء يمانی را برایم بیاور و مرا به آن بوشان من هم کساء یمانی را آوردم

بالكساء الشمانی فعطينه به ، وصرت أنظر إليه و

و اورا با آن پوشاندم و همچنان به او می نگریستم

إذا وجهه يتلا لو كانه البدر في ليلة تمامه وكماله

به ناگاه دیدم که چهره اش همانند قرص ماه می درخشید

فما كانت الا ساعة وإذا بولدي الحسن ، قد أقبل و

چند لحظه ای گذشت که فرزندم حسن آمد و

قال: السلام عليك يا أمه فقلت: وعليك السلام

نت سلام بر تو ای مادر جان! گفتم سلام بر تو

يا قوة عيني وتمرة فوادي! فقال: يا أمه اني أشم

ای نور دیده من و میوه دل من گفتم مادر جان نزد تو بویی خوش

عندك رائحة طيبة ، كانها رائحة جدي رسول الله

ای نور دیده من و میوه دل من گفتم مادر جان نزد تو بوی خوش استشمام می کنم گویا بوی جدم رسول خداست

فقلت: نعم ، إن جدك تحت الكساء . فأقبل الحسن

گفتم آری بعد توزیر کاست پس حسن

نحو الكساء وقال: السلام عليك يا جداه : يا

به سوی کساء رفت و گفتم سلام بر تو ای جد بزرگوار! ای

رَسُولُ اللَّهِ أَتَاذَنْ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

رسول خدا! آیا به من اجازه می دهی با تور زیر کساء وارد شوم؟

فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي! وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي!

فرمود سلام بر تو ای فرزندم! و ای صاحب حوض (کوثر)!

قَدْ أَذِنْتُ لَكَ . فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَمَا

من اجازه ات دادم. و حسن نزد پیامبر زیر کساء رفت.

كَانَتْ الْأَسَاعَةَ وَإِذَا بَوْلَدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ :

چند لحظه ای نگذشت که فرزندم حسین آمد و گفت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ! فَقُلْتُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا

ام بر تو ای مادر! سلام بر تو ای

ولدی! ویا فُرَّةَ عَيْنِي! او تَمْرَةَ فَوَادِي! فَقَالَ لِي: يَا

فرزندم وای نور دیده ام و میوه دلم! حسین به من گفت

أُمَّاهُ! إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا

مادر جان نزد تو بوی خوش استشمام می کنم گویا

رَائِحَةً جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: نَعَمْ.

بوی جدم رسول خدا است. گفتم:

إِنَّ جَدَّكَ وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ. فَدَنَى

آری! همانا جدت و برایت زیر کساء هستند.

الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدًّا!

حسین نزدیک کساء رفت و گفت سلام بر توای جد بزرگوار!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ: أَتَأْذِنُ إِلَيَّ أَنْ أَدْخُلَ

سلام بر توای کی که خدا او را برگزید! آیا به من اجازه می دهی

مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي!

که باشما در زیر کساء بیایم؟ فرمود سلام بر توای فرزندم

وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي! قَدْ أَذِنْتُ لَكَ. فَدَخَلَ مَعَهُمَا تَحْتَ

و ای شفاعت کننده امتم! به تو اجازه دادم. پس حسین نیز با پیامبر و حسن در زیر کساء رفت.

الْكِسَاءِ. فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ

سپس ابا الحسن علی بن ابی طالب آمد و

قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ

فرمود سلام بر توای دختر رسول خدا! گفتم سلام بر تو

السَّلَامُ يَا أبا الْحَسَنِ! وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ!

ای ابا الحسن و ای امیر مومنان! پس فرمود ای فاطمه!

إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً، كَانَهَا رَائِحَةً أَخِي وَ

من بودی خوش نود و استشمام می کنم کجا بوی برادرم و

ابن عمِّي رَسُولِ اللَّهِ. فَقُلْتُ: نَعَمْ مَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ

پسر عمویم رسول خداست. گفتم آری این هموست که با دو فرزندت

تَحْتَ الْكِسَاءِ. فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ:

وزیر کساء هستند. پس علی به طرف کساء رفت و گفت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ

سلام بر تو ای رسول خدا! آیا اجازه می دهی که با

مَمَّكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ قَالَ لَهُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي!

شما در زیر کساء بیایم؟ رسول خدا به او فرمود سلام بر تو ای برادر من

وَيَا وَصِيَّيَ وَخَلِيفَتِي وَصَاحِبِ لِيْوَائِي! قَدْ أَذِنْتُ لَكَ

و ای وصی و جانشین و پرچمدار من! به تو اجازه دادم.

فَدَخَلَ عَلِيٌّ تَحْتَ الْكِسَاءِ. ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَ

پس علی نیز به زیر کساء رفت. سپس من به طرف کساء رفتم

قُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَآءَهُ! يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَتَأْذَنُ لِي

و عرض کردم سلام بر تو ای پدر جان ای رسول خدا! آیا به من اجازه می دهی

أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، قَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا

که با شما زیر کساء بیایم؟ فرمود سلام بر تو ای

بَنِّ تِي! وَيَا بَضْعَتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ. فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

دخترم! و ای پاره تنم! به تو اجازه دادم. من نیز به زیر کساء رفتم.

فَلَمَّا أَكْتُ تَمَلَّنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ

چون همگی در زیر کساء جمع شدیم دردم رسول خدا



بِطَرْفِي الِ كِسَاءٍ، وَأَوْ مَيِّ بِيَدِهِ الِ يُمْنِي إِلَى السَّمَاءِ

دو طرف کساء را گرفت و با دست راست به سوی آسمان اشاره کرد

وَقَالَ: اللَّهُمَّ! إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْنِي وَخَاصِّي وَ

و عرض کرد خدایا! اینان اهل بیت من و خواص و نزدیکانم هستند

حَامَّتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤَلِّمْنِي مَا

گوشتشان گوشت من و خونشان خون من است. آنچه ایشان را بیازارد

يُؤَلِّمُهُمْ، وَيَحْزِنُنِي مَا يَحْزِنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ

مرا می آزارد و آنچه ایشان را به اندوه آورد ما به اندوه می آورد. من با کسانی که با ایشان در جنگ اند در جنگم

وَسَلِّمْ لِمَنْ سَالَمَهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَمُحِبٌّ لِمَنْ

و با کسانی که با ایشان در صلح اند در صلح منم، و با من اینها دشمنم و با دوست

أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ، فَأَجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ

آنان دوستم. اینان از من هستند و من از ایشانم. پس درودها و

بَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعُفْرَانِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَ

برکتهای و رحمت و آمرزش و خشنودی خودت را بر من

عَلَيْهِمْ وَأَذِيبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا

و ایشان قرار ده و پلیدی را از ایشان دور دار و آنان را به شایستگی و پاکیزه گردان.

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي! أَوْيَا سَكُنَ سَمَاوَاتِي

پس خداوند عزوجل فرمود ای فرشتگان من! وای ساکنان آسمانهایم!

انِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَ

به راستی که من هیچ آسمان برافراشته و هیچ زمین گسترده و

لا قمراً مُنيراً، وَلَا تَمَسُّا مُضِيَّةً، وَلَا فَلَكَآ يَدُورًا؛

سیخ ماه تابان و هیچ خورشید در خشان و سیخ فلک چرخان

وَلَا بَحْرًا يَجْرِي، وَلَا فَلَكَآ يَسْرِب، إِلَّا فِي مَحَبَّةِ هَوْلَاءِ

و هیچ دریای روان و هیچ کشتی در جریان را نیافریدم مگر برای دوستی این

الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ:

پنج تنی که در زیر کساء هستند، پس جبریل امین عرض کرد

يَا رَبِّ! وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: هُمْ

پروردگارا! چه کسانی در زیر کساء هستند؟ به خدای عزوجل فرمود آنان

أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ، هُمُ فَاطِمَةُ وَ

اهل بیت نبوت و قرارگاه رسالت اند آنان فاطمه و

أَبُوهَا وَبِعَ لُهَا وَبَنُوهَا. فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ! أَتَأَذِّنُ

پدرش و شوهرش و دو فرزندانش هستند. جبرئیل عرض کرد پروردگارا! آیا به من اجازه می دهی

لِي أَنْ أَهْطَبَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا، فَقَالَ

که به زمین فرود آمدم، باششمین آنها باشم؟ خداوند فرمود

اللَّهُ: نَعَمْ، قَدْ أُذِنَتْ لَكَ. فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ قَالَ:

آری! به تو اجازه دادم، پس جبریل امین به زمین فرود آمد و گفت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْعَلِيُّ الْأَعْلَى لِي يُقْرُتَكَ

سلام بر تو اسی رسول خدا پروردگار علی اعلا تورا

السَّلَامَ وَيُخْصِّكَ بِالْحَيَّةِ وَالْإِكْرَامِ وَيَقُولُ لَكَ :

سلام می رساند و تورا به تحیت و اکرام (خود) مخصوص می دارد و می فرماید

وَعَزَنِي وَجَلَالِي! إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضًا

به عزت و جلالم سوگند! من هیچ آسمان بنا شده و هیچ زمین

مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا، وَلَا شَمْسًا مُضِيَّةً، وَلَا فَلَكَأً

گسترده شده و سچ ماه تابان و هیچ خورشید د خشان و هیچ فلک

يُدُورُ، وَلَا بَحْرًا يَجْرِي، وَلَا فَلَكَأً يَسُورِي، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ

چرخان و هیچ دریای روان و هیچ کشتی در جریان را نیافریدم مگر برای شما

وَمَحَبَّتِكُمْ، وَقَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ، فَهَلْ

وبه حجت شما به من نیز اجازه داده که باشد زیر کساء، وارد شوم آیا

تَأْذَنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ

ای رسول خدا (تو هم) به من اجازه می دهی؟ رسول خدا فرمود سلام بر تو

يَا امِينَ وَحِيَّ اللَّهُ! إِنَّهُ نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ

ای امین و وحی خدا! البته به تو هم اجازه دادم. پس جبریل

مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ لِأَبِي، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيَّ كَمَا

با ما درون کساء، شد و به درد گفت همانا خداوند به شما وحی کرده

يَقُولُ: اَتَمَّ اِيْدُ اللّٰهِ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ

می فرماید ( حقیقت این است که خدا می خواهد پلیدی و (ناپاکی) را از شما اهل بیت

وَيُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً، فَقَالَ عَلِيُّ لِأَبِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَخِ بَرْنِي

دور دارد و شمارا به شایستگی پاکیزه کرداند. علی به پدرم گفت ای رسول خدا مرا آگاه کن

مَا يَجْلُوسُنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ.

که این نشستن مادر زیر کساء چه فضیلتی نزد خدا دارد

فَقَالَ النَّبِيُّ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصْطَفَانِي

یامبر فرمود من به خدای که به حق را به ما پیامبری برانگیخت و به

بِالرِّسَالَةِ نَجِسًا، مَا ذَكَرْ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحْفَلٍ

رسالتی نجات بخش برگزید که این خبر ما در مجلسی از مجالس

أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا، وَالْأَوْ

اهل زمین که گروهی از شیعیان و دوستان مادر آن باشند یاد نشود جز آنکه

نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَاسْتَغْفَرَتْ

بر آنان رحمت (خدا) نازل گردد و فرشتگان آنان را در میان گیرند و برای آنها آمرزش

لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَغَرَّقُوا، فَقَالَ عَلِيُّ: إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا

خواهند تا آنگاه که پراکنده شوند. پس علی فرمود پس به خدا سوگند ما رستگار شدیم

وَفَارَ شِيعَتُنَا وَرَبَّ الْكَعْبَةِ فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًا:

به پروردگار کعبه سوگند که شیعیان ما نیز رستگار شدند. پیامبر دوباره فرمود

يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ

ای علی! سوگند به آن که مرا به حق به نبوت برانگیخت و به رسالتی

نَجِيًّا، مَا ذَكَرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ

نجات بخش برگزید این خبر مادر مجلسی از مجالس

أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَعَّ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا، وَفِيهِمْ

اهل زمین که گروهی از شیعیان و دوستان ما در آن باشند یاد نشود

مَهْمُومٌ إِلَّا أَوْفَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَلَا مَعَ مُومٍ إِلَّا وَ

جز آنکه اگر در میان آنان اندوهناکی باشد خداومد اندوهش را بزداید و اگر غمناکی باشد

كَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ

خدا غمش را بگشاید و اگر حاجت خواهی باشد خدا حاجتش را بر آورد.

حَاجَتَهُ. فَقَالَ عَلِيُّ: إِذَا وَاللَّهِ قُرْنَا وَسُعِدْنَا وَ

علی گفت پس به خدا سوگند! ما رستگار و سعادتمند شدیم

كَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَازُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ وَزَبَّ الكَعْبَةِ.

و آخرت رستگار و سعادتمند شدند

کتابه مُحسن بهارزاده، فاطمیه 1432

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

